

چهار ویراست غیر انتقادی از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی

۶۵-۱۰۱

حمید عطائی نظری

(استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی)
h.ataee@isca.ac.ir

Four Non-Critical Editions of the Philosophical Correspondences between Tusi and Kātebi
By: Hamid Atāie Nazari
Abstract: Part of the valuable scientific legacy left by Khawja Nasir al-Din al-Tusi (d. 672 AH), the wise Shiite Imam scholar, is his scientific correspondence in various fields with scholars of different religions. Among these correspondences are treatises written by Nasir al-Din al-Tusi and Najm al-Din Kātebi about an interpretation of Seddiqin argument in order to prove the existence of God. In these correspondences they also discussed the validity of this interpretation of Seddiqin argument, as well as the arguments regarding the impossibility of the infinite regress. From these philosophical correspondences, two versions are left: an original and a compiled one. Three editions have so far been presented from its original text and one edition has been presented from the compiled text. The present article first deals with the main themes and issues raised in this correspondence. Then the two original and compiled texts are introduced, relying on the most important known manuscripts of this correspondence. In addition, the four presented editions from Tusi's correspondences have been introduced and evaluated separately. This review shows that all four editions so far published from these correspondences are erroneous, non-critical, and invalid. Therefore, it is necessary to revise and publish the correspondences based on ancient manuscripts in a scientific and critical manner.
Key words: Philosophical correspondences, Nasir al-Din al-Tusi, Najm al-Din Kātebi, Seddiqin argument, impossibility of infinite regress, Hall-e Mushkelāt al-Ishārāt, Nasir al-Din al-Tusi's treatises.

أربعة تحریرات غیرنقدیة لمراسلات الطوسی والکاتبی
الفلسفیة

الخلاصة: تعتبر المراسلات العلمیة للحکیم الشیعی الإمامی المشهور الخواجه نصیرالدین الطوسی (م ۶۷۲ هـ) مع علماء المذاهب المختلفة فی میادین العلوم المتنوعة جزءاً لا یتجزأ من التراث العلمی القیم الذی خلّفه هذا العالم. ومن هذه المراسلات، الرسائل المتبادلة بین نصیر الدین الطوسی ونجم الدین کاتبی حول تقریر عن برهان الصّدیقین لإثبات وجود الله، والتي تبادلها فیها وجهات النظر حول سّر اعتبار هذا النوع من التقریر لبرهان الصّدیقین، إضافةً للأدلة المقامة علی استحالة التسلسل. والموجود من هذه المراسلات الفلسفیة هو تقریران فقط، أحدهما أصلي والأخر تلفیقي. وقد أجرى علی الأول منهما حتى الآن ثلاثة تحریرات، وعلی الثاني تحریراً واحداً. والمقال الحالي یتبئی باستعراض مضمون هذه المراسلات والمسائل الأصلیة المطروحة فیها، ثم ینقل للتعریف بالتحریرین. الأصلي والتلفیقي. الموجودین اعتماداً علی أهم النسخ المعروفة لهما، إضافةً إلى تعريف وتقييم کل واحد من التحریرات الأربعة المطبوعة لمکاتبات الطوسی والکاتبی. وتشیر نتائج هذا البحث والتقييم إلى أنّ جمیع التصحیحات الأربع المطبوعة حتى الآن لهذه المراسلات هي تحریرات خاطئة و غیر نقدیة ولا قيمة لها. الأمر الذی یستدعي ضرورة العمل علی إعادة تصحیح المراسلات المذكورة اعتماداً علی المخطوطات القديمة لها واتباع الأسلوب العلمی النقدي، لیتّم تقدیمها للطباعة والنشر. المفردات الأساسیة: المراسلات الفلسفیة، نصیرالدین الطوسی، نجم الدین کاتبی، برهان الصّدیقین، استحالة تسلسل، حل مشكلات الإشارات، رسائل خواجه نصیرالدین الطوسی.

چکیده: بخشی از میراث علمی ارزشمند بازمانده از خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ هـ.ق.)، حکیم شهیر شیعی امامی، مکاتبات علمی وی در زمینه‌های گوناگون با دانشمندان مذاهب مختلف است. از جمله این مکاتبات، رساله‌هایی است که نصیرالدین طوسی و نجم‌الدین کاتبی درباره‌ی تقریری از برهان صدیقین برای اثبات وجود خدا به یکدیگر نوشته‌اند و در آنها بر سر اعتبار این نوع تقریر از برهان صدیقین و نیز ادله‌ی اقامه‌شده بر استحاله‌ی تسلسل گفت‌وگو کرده‌اند. از این مکاتبات فلسفی دو تقریر، یکی اصلی و دیگری تلفیقی، برجامانده است که از تقریر اصلی آن تاکنون سه ویراست و از تقریر تلفیقی آن یک ویراست ارائه شده است. در نوشتار حاضر نخست مضمون و مسائل اصلی مطرح در این مکاتبات گزارش شده است و سپس دو تقریر اصلی و تلفیقی بازمانده از آنها با تکیه بر مهم‌ترین نسخه‌های شناخته‌شده از این مکاتبات معرفی گردیده. همچنین، چهار ویراست ارائه‌شده از مکاتبات طوسی و کاتبی شناسانده و جداگانه ارزیابی شده است. این بررسی و ارزیابی نشان می‌دهد که هر چهار تصحیح تاکنون به طبع رسیده از این مکاتبات ویراست‌هایی مغلوپ و غیرانتقادی و نامعتبر است و بنابراین ضرورت دارد مکاتبات مزبور بر اساس دست‌نوشته‌های کهن موجود بار دیگر از نوبا اسلوب علمی و انتقادی تصحیح و منتشر شود.

کلید واژه‌ها: مکاتبات فلسفی، نصیرالدین طوسی، نجم‌الدین کاتبی، برهان صدیقین، استحاله‌ی تسلسل، حل مشکلات الإشارات، رسائل خواجه نصیرالدین الطوسی.



مقام والای علمی دانشمند و حکیم پراوازه شیعه امامی، خواجه نصیرالدین طوسی (د: ۶۷۲ ه.ق.) و مرجعیت و تبخراو در بسیاری از دانش‌ها نزد عالمان مسلمان عصر وی مسلم و معروف بوده است. این مرجعیت و اقتدار علمی خواجه را از شمار زیاد مکاتبات او با سایر دانشمندان علوم مختلف و انواع پرسش‌های علمی که آنان به پیشگاه خواجه مطرح می‌کرده و از وی طلب پاسخ و حلّ مشکل می‌نموده‌اند نیز به خوبی می‌توان دریافت. بی‌گمان یکی از دلایل مهم جایگاه رفیع و مقام منبع خواجه نزد عالمان مذاهب مختلف اسلامی و ارجح و احترامی که آنان همواره برای وی می‌گزارده‌اند رتبت و منزلت علمی وی در شاخه‌های گوناگون خاصه علوم عقلی بوده است. مجموع مکاتبات علمی خواجه با دانشوران معاصر او هم اینک بخش ستیجی از میراث علمی گرانسنگ خواجه نصیرالدین طوسی به شمار می‌آید که هم منبعی غنی برای شناخت اندیشه‌های خواجه است و هم تکاپوهای علمی و پویایی‌های اندیشگی دانشی مردان روزگار او را بازتاب می‌دهد.

شمار زیادی از مکاتباتی که از خواجه نصیر برجا مانده عبارت است از پاسخ‌های او به پرسش‌هایی که دیگران از وی پرسیده‌اند و در موارد اندکی نیز این مکاتبات مربوط است به پرسش‌های او از برخی عالمان معاصر خودش. اما تعداد مکاتبات و مراسلات چندگانه طوسی با یکی از عالمان غیر شیعی عصر خودش که در طی آنها تبادل پرسش و پاسخ‌ها چند نوبت استمرار پیدا کرده باشد بسیار محدود است و حتی نمونه‌های مشابه آن را از سایر عالمان امامی نیز کمتر سراغ داریم و در واقع خواجه نصیر از این حیث در میان دانشمندان امامی ممتاز است. نمونه مشهور این مکاتبات چندگانه، مراسلات طوسی با صدرالدین قونوی است که به چاپ نیز رسیده است. یکی دیگر از چند نمونه اندک این مفاوضات و مطارحات سلسله‌وار، مکاتبات چندگانه طوسی با نجم‌الدین کاتبی است در باب تقریری مشهور از برهان صدیقین برای اثبات وجود خدا. متکلم و منطق دان نامدار اشعری، نجم‌الدین علی بن عمر کاتبی قزوینی (د: ۶۷۵ ه.ق.) یکی از دانشمندانی بوده است که مکاتبات علمی مختلفی با خواجه نصیرالدین طوسی داشته. خواجه نصیر و کاتبی از نزدیک با همدیگر آشنایی داشته‌اند و کاتبی یکی از چند دانشمندی بوده که خواجه خود از آنها برای همکاری در رصدخانه مراغه دعوت کرده بوده است.^۱ مکاتبات متعدّد کاتبی با خواجه در مسائل و مباحث گوناگونی چون منطق^۲ و فلسفه و طبیعیات و طبیات^۳ صورت گرفته که اغلب آنها پیش از این به چاپ رسیده

۱. نگرید به: الضفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۸۲؛ الکُتبی، محمد بن شاکر، فوات الوفیات، ج ۳، ۲۵۱.

۲. بخشی از مکاتبات منطقی کاتبی با خواجه نصیرالدین طوسی را نگرید در: «مطارحات منطقیة بین نجم‌الدین دبیران الکاتبی القزوینی و نصیرالدین الطوسی»، چاپ شده در: محقق، مهدی؛ ایروتنسو، توشی هیکو، منطق و مباحث الفاظ، صص ۲۷۷ - ۲۸۵.

۳. برای مکاتبات و پرسش‌های طبیعی و طبیی کاتبی از خواجه نصیر نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصیریة، صص ۱۵۵ - ۱۵۸ و صص ۱۶۸ - ۱۷۲.

است. ظاهراً میان کاتبی و دیگر متکلم امامی، ابن میثم بحرانی نیز گفت و گوها و مفاوضاتی دربارهٔ تقریر دیگری از برهان صدیقین اتفاق افتاده بوده که - طبق گزارش ابن میثم - با اعتراض کاتبی بر تقریر ابتکاری ابن میثم از برهان برائبات وجود خدا آغاز شده و سپس با پاسخ بحرانی به آن اعتراض استمرار یافته و در نهایت با اعتراف کاتبی به حقانیت پاسخ بحرانی خاتمه یافته است.^۴

از مکاتبات چندگانه طوسی با نجم الدین کاتبی در باب برهان صدیقین دو تحریر، یکی اصلی و دیگری تلفیقی در دسترس است که تاکنون در قالب چهار ویراست منتشر شده. گزارشی مختصر از محتوای این مکاتبات و معرفی دو تحریر اصلی و تلفیقی آنها و همچنین ارزیابی چهار ویراست عرضه شده از مکاتبات مزبور موضوع اصلی مقال حاضر است.

گفتنی است که مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی به سلسله‌ای دیگر از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی نیز اشاره کرده است که اکنون اطلاع دقیقی از آنها در دست نیست. او پس از نام بردن از مکاتبات طوسی و کاتبی در مسأله توحید (همان اثبات واجب تعالی)، در زمرهٔ تصانیف خواجه نصیر از پاسخ‌های او به پرسش‌های کاتبی در مسائل غامض و دشوار حکمت یاد کرده که افزون بر هفت مسأله بوده است. بنا به گزارش وی، این پرسش و پاسخ‌ها در قالب دو مکاتبه انجام گرفته بوده است و دیباجهٔ آنها به زبان فارسی نوشته شده بوده.^۵

۱- نگاهی به محتوای مکاتبات طوسی و کاتبی

موضوع اصلی مکاتبات و مباحثات فلسفی طوسی و کاتبی بررسی میزان اعتبار و صحت مقدمات تقریری معروف از برهان صدیقین برای اثبات وجود خدا است. این تقریر از برهان صدیقین که صورت نخستین آن ابتدا در کتاب نجاه و رسالهٔ المبدأ و المعاد و بانندی تفاوت در الإشارات و التنبيهات شیخ رئیس بوعلی سینا (د: ۴۲۸ ه.ق.) مطرح شده است^۶ پس از وی با اقبال و استقبال بسیاری از فیلسوفان و متکلمان مسلمان روبرو شد و صورت بندی تازه‌ای از آن بردست فخر رازی (د: ۶۰۶ ه.ق.) در کتاب معالم^۷ ارائه گردید. این تقریر معروف از برهان صدیقین محور گفت و گوها و مباحثاتی دامنه دار میان نجم الدین کاتبی و خواجه نصیر الدین طوسی قرار گرفته است. در خصوص تاریخ وقوع این مکاتبات اطلاع دقیقی در دست نداریم و نه در متن مکاتبات و نه در منابع دیگر هیچ اشاره‌ای به زمان نگارش آنها نشده است. نقطهٔ آغاز این مکاتبات نگارش رساله‌ای کوتاه و مستقل از سوی نجم الدین کاتبی به درخواست یکی از شاگردان یا دوستان وی در نقد تقریر برهان صدیقین حکماء بوده است. این رساله با عبارات زیر شروع می‌شود:

«أما بعد حمد الله و الثناء عليه بما هو أهله و مستحقه، و الصلاة على نبيه محمد وآله. فهذه رسالة، حزننها بالتماس بعض من شاركهم في البحث من العلماء - أدام الله فضائلهم - في مباحث تتعلق بالبرهان الذي ذكره الأوائل في إثبات وجود واجب الوجود.»

کاتبی در رسالهٔ یاد شده نخست به تقریر این برهان - که وی آن را به حکمای متقدم یا به اصطلاح «أوائل» منسوب

۴. «و اعترض الإمام نجم الدين القزويني - أدام الله سعادته - على هذا البرهان فقال: ... أجاب مُلخص البرهان عن المعارضة: بأننا ... واعلم أن هذا الإمام لنا وقف على هذين الجوابين اعترف بصحتهما و سقوط الاعتراض على البرهان المذكور.» ابن میثم البحرانی، کمال الدین میثم بن علی، قواعد المرام فی علم الکلام، صص ۱۷۶ - ۱۷۸.

۵. «و من تصانیفه أيضاً جواب رسالة الكاتبی القزويني في مسألة التوحيد، و جوابه الثانية أيضاً على جواب الكاتبی، و قد أتى كل منهما على الآخر في هذه المراسلات ثناء بليغاً. و من تألیفات المحقق الطوسي جواب أسئلة الكاتبی أيضاً في مسائل عويصة من علم الحكمة، تزيد على سبعة مسائل و أجابها الخواجة، و قد أتى كل واحد منهما على الآخر في هذه المكاتيب ثناء بليغاً، و ديباجة المكاتبين فارسية.» افندی الاصبهانی، الميرزا عبدالله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۶۲.

۶. نگريد به: ابن سینا، حسين بن عبدالله، النجاة، صص ۵۶۷ - ۵۶۸؛ همو، المبدأ و المعاد، صص ۲۲ - ۲۳؛ همو، الإشارات و التنبيهات، صص ۲۶۶ - ۲۶۸.

۷. الرازی، فخر الدین، معالم أصول الدین، صص ۴۹ - ۵۰.

داشته است - پرداخته و سپس ایراداتی چند بر آن وارد کرده است. متن این تقریر از برهان صدیقین آنگونه که کاتبی گزارش نموده چنین است:

«اعلم أنّ الأوائل قالوا في إثبات هذا المطلوب العظيم: لا شك في وجود موجود، فذلك الموجود إن كان واجباً لذاته فقد حصل المطلوب، وإن كان ممكناً لذاته فقد افتقر إلى مؤثر؛ فذلك المؤثر إن كان واجباً لذاته فقد حصل المرام أيضاً، وإن كان ممكناً لذاته افتقر إلى مؤثر؛ فذلك المؤثر إن كان بعض ما كان أثره لزم الدور؛ وإنه محال، لأنه حينئذ يتوقف كل واحد منهما على الآخر لوجوب تقدم المؤثر بالذات على الأثر، ويلزم منه تقدم كل واحد منهما على نفسه، لأنّ الموقوف على الموقوف على الشيء موقوف على ذلك الشيء.»

وإن كان ذلك المؤثر شيئاً آخر غير ما هو أثره، فلا يخلو: إما أن ينتهي إلى موجود واجب لذاته؛ أو يتسلسل إلى غير النهاية. والأول منه حصول المطلوب أيضاً؛ والثاني باطل، وإلا يحصل مجموع مركب من أفراد غير متناهية، ولو كان كذلك لكان ممكناً لذاته، لافتقاره إلى أجزائه التي هي غيره، وجوب استلزام الافتقار إلى الغير إمكان المفتقر، وكلّ ممكن لا بدّ له من مؤثر، فلذلك المجموع مؤثر، فذلك المؤثر إما أن يكون نفسه، أو أمراً داخلياً فيه، أو أمراً خارجياً عنه، والأول محال؛ لوجوب تقدم المؤثر بالذات على الأثر وامتناع تقدم الشيء على نفسه، والثاني أيضاً محال، لأنّ المؤثر في المجموع مؤثر في كلّ جزء من أجزائه، فلو كان أحد أجزاء ذلك المجموع مؤثراً في ذلك المجموع لزم أن يكون مؤثراً في نفسه و مؤثراً فيما أثر فيه، وكلّ منهما محال؛ أمّا الأول فلا امتناع تقدم الشيء على نفسه، وأمّا الثاني فلا استلزامه الدور، وقد أبطلناه.

ولما بطل هذان القسمان تعين الثالث؛ وهو أن يكون المؤثر في ذلك المجموع أمراً موجوداً خارجياً عن ذلك المجموع، والخارج عن جملة الممكنات لا يكون ممكناً لذاته - وإلا لكان داخل فيه - بل خارجاً عنه، وهو المطلوب.^۸

به نظر کاتبی استدلالی که در متن برهان برای ابطال تسلسل بیان شده است، استدلال صحیحی نیست و بطلان تسلسل را ثابت نمی‌کند.^۹ از این رووی کوشیده است برهان مزبور را به گونه‌ای تازه تقریر نماید که در آن خواه تسلسل باطل باشد یا نباشد وجود واجب بالذات اثبات شود.^{۱۰} کاتبی در ادامه، این تقریر تازه خود از برهان را نیز ضعیف دانسته و بر آن اشکالاتی وارد کرده است. به گفته وی اینکه در تقریر پیشگفته حکماء از برهان صدیقین در بخش استدلال بر بطلان تسلسل بیان شده است: «اگر یکی از اجزاء سلسله ممکنات، علت پدید آمدن کل سلسله باشد آنگاه باید علت و مؤثر یکایک افراد آن سلسله نیز باشد و در نتیجه، آن جزء از سلسله باید علت خودش و علت خودش نیز باشد که محال است» استدلال درستی نیست و قبول نداریم که علت یک مجموعه، علت یکایک افراد آن مجموعه نیز هست. در واقع ممکن است علت یک مجموعه فقط برای کل مجموعه از آن حیث که مجموعه است علت داشته باشد و علت یکایک اجزاء آن مجموعه نباشد، مثلاً به این نحو که بعض اجزاء مجموعه بی‌نیاز از مؤثر باشد یا اینکه معلول علت دیگری غیر از علت کل مجموعه باشد. برای نمونه، مجموع موجودات عالم اعم از واجب و ممکن، مجموعه‌ای است ممکن بالذات چون نیازمند به اجزاء خود است. علت این مجموعه ممکن بالذات، واجب الوجود بالذات است؛ اما معلوم است که واجب الوجود علت خودش (که جزئی از این مجموعه بود)

۸. الکاتبی القزوينی، نجم الدین علی بن عمر، «رسالة فی اثبات واجب الوجود»، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم الدین

الکاتبی، صص ۲-۳.

۹. همان، ص ۴.

۱۰. همان، صص ۵-۸.

نیست؛ زیرا بی‌نیاز از علت و مؤثر است.^{۱۱}

کاتبی در دنباله رساله به دو برهان معروف دیگر بر بطلان تسلسل، یعنی برهان «تطبیق» و نیز برهان «حیثیات» شیخ اشراق اشاره کرده است و بر آن دو برهان هم ایراداتی وارد نموده و آن دو را ضعیف و ناتمام ارزیابی کرده است.^{۱۲} در پایان رساله نیز کاتبی به بیان نکاتی در باب برهان حکماء بر اثبات قدم عالم و نیز جواز ترجیح بلا مرجح پرداخته است.^{۱۳}

از گزارشی که در خصوص محتوای رساله کاتبی تقدیم شد معلوم می‌شود که مضمون این رساله در واقع نقد برهان صدیقین ابن سینا و فخر رازی و به ویژه ردّ چند استدلال معروف بر بطلان تسلسل است و برخلاف ظاهر نام رساله اثبات الواجب که این رساله بدان اشتها یافته^{۱۴} کاتبی در آن درصدد ارائه برهانی برای اثبات واجب تعالی نبوده است.^{۱۵}

یادکرد این نکته بی‌فایده نیست که تمام اشکالات کاتبی بر استدلال مطرح در برهان صدیقین حکماء برای ابطال تسلسل و هم‌چنین ایرادات وارد بر دو برهان «تطبیق» و «حیثیات» که وی در مکاتباتش با طوسی بیان کرده است، در اثر دیگر معروف او، یعنی حکمة العین نیز بازگو شده است.^{۱۶} علامه حلی در شرح خود بر این کتاب به اشکالات کاتبی بر دلیل ابطال تسلسل مطرح در برهان صدیقین مزبور پاسخ گفته و آنها را اشکالاتی جدلی و به دور از تحقیق خوانده است.^{۱۷} علامه هم‌چنین به اشکالات کاتبی بر برهان تطبیق پاسخ‌هایی داده است.^{۱۸}

پس از اینکه کاتبی رساله‌اش را در نقد تقریر مذکور از برهان صدیقین نگاشت، این رساله به طور اتفاقی در دسترس خواجه نصیرالدین طوسی قرار گرفته^{۱۹} و وی پس از مطالعه آن به بیان ایراداتی بر قسمت‌های مختلف رساله پرداخته است. در برخی منابع کهن از این رساله خواجه با عنوان «رساله‌ای به اثبات واجب الوجود» یاد شده است.^{۲۰} خواجه در مکتوب خود، نخست از مطالب مطرح در رساله کاتبی تحسین و تمجید نموده است و سپس ابراز داشته که درصدد است دیدگاه‌های خود را در باب آراء مندرج در مواضع مختلف این رساله بیان کند:

«طالعتُ الرسالة التي عملها مولانا الإمام نجم الملة والدين؛ علامة العصر، أفضل العالم، علي الكاتب القزويني - أدام الله فضاله - في المباحث المتعلقة بإثبات واجب الوجود لذاته - جلّت أسماؤه -، فوجدتها مشحونة بغرر الدرر، مشتملة على فرائد الفوائد، فأثبتتها، وأوردت ما سنع لى في كل موضع مما يتعلّق به إيراد المستفيدين لا ردّ المعترضين، ليتحقق لى الحق في ذلك، والله الموفق والمعين».^{۲۱}

۱۱. همان، ص ۸.

۱۲. همان، صص ۱۰ - ۱۱.

۱۳. همان، صص ۱۲ - ۱۵.

۱۴. برای نمونه شیخ محمدحسن آل یاسین این رساله کاتبی را زیر عنوان «رساله فی اثبات واجب الوجود» به چاپ رسانده است. نگرید: همان، ص ۱.

۱۵. قاضی نورالله شوشتری در فهرست آثار خواجه نصیرالدین طوسی از ردّیه وی بر رساله کاتبی با عنوان «رساله ردّ ایراد کاتبی بر دلیل حکما در اثبات واجب تعالی» یاد کرده است و بدین طریق به درستی به مضمون رساله کاتبی اشاره نموده. نگرید به: شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ج ۴، ص ۵۱۵.

۱۶. نگرید به: دبیران کاتبی قزوینی، نجم‌الدین، حکمة العین، صص ۴۰ - ۴۲.

۱۷. نگرید به: الحلی، الحسن بن یوسف، إيضاح المقاصد من حکمة عین القواعد، صص ۱۰۰ - ۱۰۲.

۱۸. همان، صص ۱۰۵ - ۱۰۷.

۱۹. مرحوم مدرّس رضوی در خصوص رساله نخست کاتبی ابراز داشته است که: «علی بن عمر کاتبی قزوینی رساله مختصری در اثبات واجب تألیف نموده و به خدمت خواجه تقدیم کرده است» (مدرّس رضوی، محمدتقی، احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۴۶۹)، به همین نحو مرحوم مدرّسی زنجانی خاطر نشان کرده که کاتبی رساله خود را به خدمت خواجه فرستاده بوده است (مدرّسی زنجانی، محمد، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۲۰۷) اما چنانکه از مقدمه و متن رساله کاتبی برمی‌آید او این رساله را به خواهش یکی از یارانش نگاشته بوده و خود به طور مستقیم برای خواجه نفرستاده بوده است.

۲۰. نگرید به: الضّعدی، خلیل بن أبیک، الوافی بالوفیات، ج ۱، ص ۱۸۱؛ الکتبی، محمد بن شاکر، فوات الوفيات، ج ۳، ۲۴۹ (که در اینجا به اشتباه بجای «کاتبی» نوشته شده: «الکاشی»).

۲۱. الطوسی، نصیرالدین، التعلیقات علی مباحث رساله کاتبی، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم‌الدین الکتبی، ص ۱۸.

در ادامه رساله خواجه توضیحاتی را در خصوص بعضی مقدمات برهان صدیقین مورد بحث ارائه کرده است. پس از آن وی به تقریر برهان صدیقین در هر دو صورتی که ابطال تسلسل در زمره مقدمات آن باشد یا نباشد پرداخته است.^{۲۲} سپس خواجه در مقام پاسخگویی به اشکالات کاتبی بر برهان صدیقین حکماء برآمده است و در جواب اشکال نخست کاتبی که گفته بود قبول ندارد علت یک مجموعه، باید علت یکایک افراد آن مجموعه نیز باشد می‌گوید: علت تامه وجود مجموعه عبارتست از جمیع اجزاء مجموعه و علت تامه جمیع اجزاء همان علت اجزاء است. در واقع، علت تامه یک مجموعه ابتدا علت اجزاء مجموعه است و بعد به واسطه اجزاء، علت کل مجموعه است. بنابراین علت و مؤثر تام مجموعه، همان علت و مؤثر تام همه اجزاء مجموعه نیز هست.^{۲۳}

در دنباله رساله خواجه به اشکالات کاتبی و دیگران بر برهان تطبیق برای ابطال تسلسل جواب داده است.^{۲۴} در پایان نیز طوسی به رد سخن کاتبی در خصوص جواز ترجیح بلا مرجح پرداخته است. به نظر کاتبی ترجیح بلا مرجح محال نیست و برای نمونه، فاعلی مختار ممکن است از دو چیز مساوی یکی را حتی بدون وجود هیچ مرجحی ترجیح دهد، مثل فرد گریزان از حیوان وحشی که به هر حال یکی از دو راهی را که پیش روی او قرار گیرد انتخاب می‌کند ولو اینکه هیچ مرجحی نداشته باشد.^{۲۵} خواجه نصیر در نقد این ادعای کاتبی خاطر نشان می‌کند که باور به جواز ترجیح یکی از دو امر مساوی بر دیگری بدون وجود هیچ‌گونه مرجح، اعتقادی مخالف با بدیهی عقل است و مستلزم باور به امکان تحقق شیء ممکن بدون وجود موجد و علت. به نظر خواجه، در مثال فرد گریزان از حیوان وحشی حتماً مرجحی در کار است هر چند که علم به مرجح نداشته باشیم و عدم علم به مرجح هیچگاه ملازم با نفی آن نیست.^{۲۶}

پس از نگارش این ردیه بردست خواجه، نجم‌الدین کاتبی از آن باخبر شده و بعد از مطالعه پاسخ‌های خواجه به تدارک جوابی از برای آن ردیه پرداخته است. کاتبی در ابتدای این جوابیه از پاسخ‌های خواجه به ایرادات خودش بر برهان حکماء تمجید کرده و خاطر نشان می‌کند که خواجه در ضمن پاسخ به آن اشکالات، تحقیقات و تدقیقاتی نموده است بدان پایه که خزدهای کامل نیز از درک آنها ناتوانند. سپس می‌افزاید اگرچه اکتفا به استفاده از آن تحقیقات و فوائد گرانسنگ لازم است، از آنجا که خواجه از باب کمال لطف و تربیت اهل علم خواستار آن شده که آنچه را در خصوص آن فوائد به ذهن می‌رسد بیان نمایم در اینجا آراء خویش را ابراز می‌کنم و در عین حال معترفم که از درک کُنه آنچه خواجه اظهار داشته عاجز و ناتوانم.^{۲۷}

خواجه طوسی بعد از مشاهده جواب‌های کاتبی در صدد برمی‌آید بار دیگر به ایضاح برخی مسائل و ایراد پاره‌ای مشکلات در خصوص سخنان کاتبی اقدام کند و از این‌رو رساله‌ای دیگر در پاسخ به وی می‌نگارد که با عبارات زیر آغاز می‌شود:

۲۲. همان، صص ۱۹ - ۲۰.

۲۳. همان، ص ۲۲.

۲۴. همان، صص ۲۴ - ۲۵.

۲۵. الکاتبی القزوی، نجم‌الدین علی بن عمر، «رسالة فی اثبات واجب الوجود»، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم‌الدین الکاتبی، ص ۱۵.

۲۶. الطوسی، نصیرالدین، «التعلیقات علی مباحث رسالة الکاتبی»، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم‌الدین الکاتبی، ص ۲۷.
۲۷. «فاعلم أنه قد اتفق مني أن أكتب كلمات على البراهين التي ذكرها الحكماء لإثبات واجب الوجود لذاته - جلّت عظمته - بالتعاسم بعض الإخوان في أوراق، واتفق أن تشرّفت تلك الأوراق بمطالعة سلطان الحكماء المحققين؛ أفضل المتقدمين والمتأخرين؛ برهان الإسلام والمسلمين، نصير العلة والدين، محمّد بن محمّد بن الحسن الطوسي - أدام الله تعالى ظلاله وضاغف جلاله -، فأجاب عنها بجوابات حقيقه، وأورد عليها سوالات دقيقة، و بين في أثناء إيراد تلك الأجوبة والأسئلة تحقيقات وتدقيقات وتقريرات تعجز العقول الكاملة عن فهمها، والخواطر الثامة عن دركها وضبطها، فلما ظفرت بمطالعتها، وتشرّفت بالوقوف عليها رأيت الواجب الاقتصار على تلك الفوائد النفيسة الشريفة، و التمسك بما نبت عليه من الحقائق والدقائق اللطيفة، إلا أنه - أدام الله تعالى ظلّه - لكامل لطفه وتربيته لأهل العلم وطلبة الحق، بالغ في الإشارة إلى إيراد ما تخيل لي في تلك الفوائد. فسرعت بمقتضى إشارته في نبت ما تخيل لي وكتابتها، معترفاً بالقصور والعجز عن درك كنه ما ذكره وحققه، ملتسماً من لطفه العميم وإنعامه الجسيم إزالة تلك الخيالات عنّي، والله الموفق للصواب». الکاتبی القزوی، نجم‌الدین علی بن عمر، «مناقشات نجم‌الدین الکاتبی لتعلیقات نصیرالدین الطوسی»، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم‌الدین الکاتبی، صص ۳۰ - ۳۱.

«وقفت على ما أفاده مولانا الإمام المعظم، العالم المحقق، نجم الملة والدين، عزيز الإسلام و المسلمين؛ بعد ما أوردت ما سنح لي من الأسئلة والأجوبة المتعلقة برسالته في مباحث إثبات واجب الوجود لذاته، لأستفيد من أفكار أفكاره مزيد الفوائد، فعدت إلى إيراد ما في خاطري مما أظنه بياناً لما أوردته، لأعرض عليه. متوقفاً أن يذكر ما عليه من القبول والرد لئتم ما أرجو من زيادة الاستفادة إن شاء الله تعالى، و به التوفيق.»^{۲۸}

کاتبی پس از خواندن پاسخ‌های طوسی آنها را پسندیده و در مکتوبی دیگر به حقایق و درستی و استواری این پاسخ‌ها اعتراف می‌کند. او در این مکتوب، به ویژه از تقریر بدیع و تازه‌ای که خواجه طوسی از برهان تطبیق ارائه نموده تمجید کرده است. هم‌در پایان اشاره می‌کند که قصد بازگشت به دیار و خانواده خود را دارد و از این رو تمایلی به ادامه این مکاتبات و مباحثات ندارد.^{۲۹} خواجه نصیر نیز در پاسخ به این اعتراف کاتبی نامه‌ای نگاشته و از مواجهه منصفانه و حق‌گرایانه وی ستایش و تشکر کرده است^{۳۰} و بدین ترتیب مکاتبات این دو دانشمند درباره آن تقریر از برهان صدیقین و همچنین ادله اثبات استحاله تسلسل خاتمه می‌یابد.

بنابراین به اختصار سیر این دسته از مکاتبات طوسی و کاتبی به ترتیب زیر است:

(۱) رساله کاتبی در نقد برهان صدیقین بر اثبات واجب.

(۲) نقد طوسی بر آن.

(۳) پاسخ کاتبی به نقدهای طوسی.

(۴) ردیه طوسی بر پاسخ‌های کاتبی.

(۵) اعتراف کاتبی به حقایق سخنان طوسی.

(۶) تقدیر و تشکر طوسی.

نکته شایان توجه و تأمل در خصوص دو مکاتبه پایانی طوسی و کاتبی (که عبارت است از اعتراف کاتبی به حقایق سخنان طوسی و تقدیر و تشکر طوسی از حق طلبی کاتبی) آن است که این دو مکاتبه در بسیاری از نسخه‌های موجود از مکاتبات طوسی با کاتبی - از جمله در نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتیح ترکیه که چنانکه در ادامه خواهیم گفت کهن‌ترین دست‌نوشته تاکنون شناخته شده از این مکاتبات است و طی سالهای ۶۷۷ و ۶۷۸ هجری قمری کتابت شده - نیامده است و تنها در چند نسخه خطی متأخر در پایان چهار مکاتبه نخست کتابت شده است.^{۳۱} در برخی دیگر از نسخ نیز پنج مکاتبه نخست آمده و آخرین پاسخ خواجه نصیر نوشته نشده است. اگر این دو مکاتبه و پسین طوسی و کاتبی از اساس، اصالت و حقیقتی داشته باشد آنگاه عدم نقل و استنساخ این دو مکاتبه پایانی در بسیاری از نسخه‌های این مکاتبات احتمالاً به سبب مشتمل نبودن آنها بر مباحث علمی مرتبط با چهار مکاتبه پیشین بوده است.

به هر روی، مسائل اصلی مطرح در مجموع این مکاتبات که محور گفت‌وگوهای کاتبی و طوسی قرار گرفته است عبارت است از:

(۱) اثبات واجب الوجود از طریق تقریری خاص از برهان صدیقین.

۲۸. الطوسی، نصیرالدین، «رد نصیرالدین الطوسی علی مناقشات الكاتبی»، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم الدین الكاتبی، ص ۵۰.

۲۹. نگرید به: الكاتبی الغزوی، نجم الدین علی بن عمر، «خاتمة المطارحات فی الاعتراف بالحق»، المطبوعة فی: مطارحات فلسفیه بین نصیرالدین الطوسی و نجم الدین الكاتبی، صص ۶۵ - ۶۷.

۳۰. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصیریة، صص ۱۵۳ - ۱۵۴. این نامه در ویراست آلیاسین از این مکاتبات نیامده است.

۳۱. مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی نیز ظاهراً فقط همین چهار مکاتبه نخستین را دیده بوده است و از دو مکاتبه نهایی طوسی و کاتبی آگاه نبوده چون آنگاه که از این مکاتبات در زمره تألیفات طوسی یاد می‌کند تنها به چهار مکاتبه اشاره می‌نماید: «و من تصانیفه أيضاً جواب رسالة الكاتبی الغزوی فی مسألة التوحید، و جوابه الثانية أيضاً علی جواب الكاتبی». افندی الاصبهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۶۲.

۲) براهین ابطال تسلسل به ویژه برهان تطبیق و برهان حیثیات و برهان از طریق مجموع ممکنات.

۳) حدود و قدامت عالم.

۴) ترجیح بلا مرجح.

از آنجا که نقل و بررسی تمام ایرادها و پاسخ‌های مطرح در این مکاتبات چندگانه بحث حاضر را به درازا می‌کشاند از ورود به جزئیات آنها احتراز نمودیم. آنچه در اینجا اهمیّت داشت اشاره به مکاتبات و مباحثاتی بود که در باب آن تقریر خاص و مشهور از برهان صدیقین میان عالمی شیعی و دانشمندی اشعری صورت گرفته بوده و اهتمام و اعتنای آنان به این تقریر ویژه از برهان صدیقین را نشان می‌دهد. این مکاتبات و مطالب مطرح در آنها مورد توجه برخی از فیلسوفان نیز قرار گرفته است و در بعضی از آثار خود بدانها اشاره کرده‌اند. از جمله، جلال‌الدین دوانی (د: ۹۰۸ ه.ق.) در موضعی از رساله معروف خود با عنوان «اثبات الواجب القدیمة» به مکاتبات میان کاتبی و طوسی اشاره کرده است.^{۳۲}

گذشته از محتوای علمی این مکاتبات، شیوه بسیار محترمانه و منصفانه تخاطب و گفت‌وگوی این دو دانشور شیعه و سنی با یکدیگر و فروتنی آنها در برابر هم که به نحوی آشکار در این مکاتبات بازتاب یافته است بسیار آموزنده و شایان توجه است. عبارات احترام‌آمیز و تکریم و تجلیل و تمجید و افری که هریک از این دو عالم امامی و اشعری در حق یکدیگر روا داشته‌اند^{۳۳} حاکی از آن است که می‌توان فارغ از تعارضات مرسوم مذهبی، زیست و تعاملی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل با معتقدان به مذاهب اسلامی دیگر داشت و لزوماً مواجهه پیروان یک فرقه اسلامی با باورمندان به سایر مذاهب اسلامی نباید مواجهه‌ای ستیزه‌جویانه و آمیخته با نفرت و لعنت باشد.

۲- دو تحریر اصلی و تلفیقی از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی

بررسی دست‌نوشته‌های بازمانده از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی حاکی از آن است که از این مکاتبات دو صورت و تحریر مختلف در دسترس است که یکی همان صورت اصلی و نخستین مکاتبات در قالب مکتوباتی مستقل و جدا از هم است و دیگری صورتی تلفیقی و ترکیب‌شده از آنها که احتمالاً بردست شخص ثالثی سامان یافته است. در این تحریر تلفیقی، تمام پرسش و پاسخ‌های مربوط به هم از مجموع مکاتبات چهارگانه طوسی و کاتبی جمع‌آوری شده و ذیل یکدیگر قرار گرفته است. ظاهراً هدف فراهم‌آوردن این تحریر تلفیقی قرار دادن تمام مطالب ناظر به هم در زیرهمدیگر بطور یکجا در پیش چشم خواننده بوده تا رشته مباحث و مطالب و پرسش و پاسخ‌ها از یکدیگر گسسته نشود و پیوستگی آنها با هم رعایت و منظور گردد. روشن است که ملاحظه یکجای پرسش و پاسخ‌ها و ردّیه‌ها و جوابیه‌های مربوط به هم پیگیری روند مباحث و درک مطالب را آسان‌تر می‌کند و از این حیث تدارک چُنین نسخه تلفیقی از آن مکاتبات سودمند و ارزشمند است.

اینکه تمهید و تحریر این نسخه تلفیقی در چه زمانی صورت گرفته است پرسشی است که اکنون پاسخ دقیقی از برای آن در دست نداریم اما با توجه به دست‌نوشته‌ای از این نسخه تلفیقی که در حدود قرن هشتم هجری کتابت شده است می‌توان دریافت که ایده تلفیق این مکاتبات با یکدیگر دست‌کم از همان حدود قرن هشتم وجود داشته است. در مجموعه خطی شماره ۶۳۰/۱۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای از چهار مکاتبه اصلی طوسی و کاتبی موجود است که در آن دو مکاتبه نخستین طوسی و کاتبی در یکدیگر تلفیق شده است (صص ۱۶۵ - ۱۷۱ نسخه) و دو مکاتبه بعدی هر کدام به همان نحو جداگانه و مستقل که در اصل نوشته شده بوده‌اند کتابت شده است (صص ۱۷۱ - ۱۸۱ نسخه).

۳۲. نگرید به: الدوانی، جلال‌الدین محمد، «رسالة إثبات الواجب القدیمة» چاپ شده در: سبع رسائل، ص ۹۱.

۳۳. مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی نیز به چشمگیری بودن ستایش و تمجید کاتبی و طوسی از یکدیگر در این مکاتبات اشاره کرده است: «وقد أثنى كل منهما على الآخر في هذه المراسلات ثناءً بليغاً». افندی الاصبهانی، الميرزا عبدالله، رياض العلماء و حياض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۶۲.

همچنین در مجموعه خطی دیگری به شماره ۶۱۱/۱ محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی که کتابت آن در سال ۱۰۹۷ هجری قمری به انجام رسیده است نسخه ای تلفیقی از چهار مکاتبه نخست طوسی و کاتبی وجود دارد. مدون این مکاتبات با درج عباراتی چون «اعتراض مولانا نجم الدین علی مولانا نصیرالدین فی قوله ...»، «أجاب مولانا نصیرالدین بأن قال: ...»، «قال مولانا نجم الدین: ...» و «قال الإمام نصیرالدین: ...» مطالب و سؤال و جوابهای ناظر به یکدیگر از مجموع چهار مکاتبه را در ذیل هم جای داده است. دست نوشت دیگری از همین تحریر تلفیقی مکاتبات چهارگانه نیز در مجموعه ای خطی متعلق به کتابخانه راغب پاشا در ترکیه به شماره ۱۴۶۱ از برگ ۱۹۸ ب تا برگ ۲۰۹ ب موجود است. تاریخ کتابت این نسخه تلفیقی معلوم نیست ولی بر روی اوراق نخستین مجموعه خطی مزبور که مشتمل بر صد و چهار رساله کوتاه فلسفی و کلامی از خواجه نصیرالدین طوسی و برخی دیگر از حکماء است دو تاریخ مربوط به گواهی تملک نسخه، یعنی سالهای ۱۱۳۹ و ۱۱۷۰ ثبت شده و احتمالاً کتابت این مجموعه باید در حدود قرن ده و یازده هجری صورت گرفته باشد.

مقایسه سه نسخه پیشگفته از تحریر تلفیقی مکاتبات طوسی و کاتبی حاکی از آن است که از میان آنها دو دست نوشت شماره ۶۱۱/۱ کتابخانه مجلس شورای اسلامی و نسخه کتابخانه راغب پاشا در ترکیه به شماره ۱۴۶۱ موافقت بیشتری با هم دارند و در واقع، دو نسخه مختلف از یک تحریر تلفیقی هستند، در حالی که نسخه شماره ۶۳۰/۱۰ کتابخانه مجلس تحریر تلفیقی دیگری از مکاتبات است که هم در ضبط کلمات و عبارات و هم در نحوه تلفیق مکاتبات و ترتیب عبارات با دو نسخه شماره ۶۱۱/۱ و ۱۴۶۱ در مواضعی تفاوت هایی چشمگیر دارد.

۳- معرفی دو دست نوشت کهن از مکاتبات طوسی و کاتبی

اگرچه از مکاتبات طوسی و کاتبی چندین نسخه باقی مانده است، دو دست نوشت زیر از کتابخانه های ترکیه از حیث قدمت و نیز رسائلی که در بردارند حائز اهمیت ویژه ای هستند و به همین دلیل معرفتی آنها سودمند به نظر می رسد. به غیر از دو دست نویس زیر، دو نسخه دیگر از این مکاتبات نیز به شماره های ۲۱۱۷ جاراالله و ۶۱۷ پرتوپاشا در کتابخانه های ترکیه وجود دارد که چون نسخه هایی متأخر هستند از معرفتی آنها صرف نظر می کنیم.

۱.۳- نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح

از میان نسخ بازمانده از مکاتبات و مراسلات طوسی و کاتبی قدیم ترین دست نوشتی که راقم این سطور می شناسد دست نویسی از آنها است که در یک مجموعه خطی عتیق و نفیس متعلق به کتابخانه فاتح ترکیه به شماره ۳۱۹۱ وجود دارد. این مجموعه خطی حاوی هفده رساله فلسفی، از جمله رساله هایی کوتاه از خواجه نصیرالدین طوسی است. کاتب بیشتر رساله های این مجموعه شخصی به نام «سهراب بن امیرالحاج بن محمد القیصری» بوده است و چنانکه از انجامه های برخی از رساله ها برمی آید تاریخ کتابت اغلب آنها باید حدود سالهای ۶۷۷ و ۶۷۸ هجری قمری بوده باشد. نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح ترکیه از مکاتبات طوسی و کاتبی به رغم ارزشی که از حیث قدمت دارد (چون تنها در حدود شش سال پس از درگذشت خواجه در سال ۶۷۲ ه.ق. کتابت شده است) از جهت استواری و وثاقت نص حائز ارجح بسیاری نیست؛ زیرا افتادگی ها و اغلاط چندگانه و چندگونه ای نیز دارد. با این وصف، این نسخه نزدیکترین سند تاکنون شناخته شده به صورتهای اصلی آن مکاتبات است و به همین جهت اهمیت و ارزش خاص خود را دارد. سایر رساله های موجود در این مجموعه خطی نیز دست نوشت هایی شایان توجه است که معرفتی آنها سودمند به نظر می رسد.

مجموعه خطی شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح بر کتابها و رسائلی زیر مشتمل است:

(۱) «کتاب حل مشکلات الإشارات» نوشته خواجه نصیرالدین طوسی که از برگ ۱ شروع شده و تا برگ ۲۶۰ آ ادامه دارد (نگرید به: تصویر شماره ۱). اگرچه تاکنون چند دست نوشت کهن تر از این نسخه نیز از شرح اشارات خواجه شناسایی شده است، نسخه حاضر از شرح اشارات همچنان در زمره کهن ترین نسخه های بازمانده از این اثر قرار

دارد و از این حیث ارج بسیار دارد.

چنانکه در ترقیمه کاتب در آخر بخش منطق در برگ ۶۸ ب قید شده نام نویسنده نسخه سهراب بن امیر الحاج بن محمد القیصری است که این دست نویس را برای خودش نوشته بوده:

«و فرغ من تعلیقه لنفسه أحوج خلق الله إلیه سهراب بن امیر الحاج بن محمد القیصری اصلح الله أعماله و متعه به فی الثانی والعشرین من رمضان المبارک سنة ؟؟؟ ستمائة حامدا لله و مصلياً علی نبیه و آله أجمعین.

بلغ العراض بالأصل المنتسخ منه يوم الخميس عاشر شوال سنة ؟؟؟».

برخی از صفحات یا سطور این مجموعه خطی از بین رفته یا محو شده است که با خطی دیگر بازنویسی شده است. در ادامه، از برگ ۶۹ ب تا برگ ۲۶۰ آ بخش طبیعیات و الهیات کتاب حلّ مشکلات الإشارات کتابت شده است. پس از آن در برگ ۲۶۰ ب ترقیمه کاتب نسخه به شرح زیر آمده است (نگرید به: تصویر شماره ۲):

«قد وقع الفراغ من انتساخه من نسخة بخط مولانا سلطان العلماء قدوة المحققين قطب الملة والدين - ضاعف الله جلاله - مرقوة على المصنف المولى حجة الحق على الخلق نصير الملة والدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسي - تغمده الله بغفرانه - مشحونة في كثير من المواضع بخطه الأشرف كما أشير إلى ذلك في الحواشي في منتصف رمضان المبارك عظم الله أجره من شهر سنة سبع وسبعين و ستمائة. و كان مكتوباً في آخر النسخة المنتسخ منها: «وكان مكتوباً في آخر النسخة المقابل بها بخطه الأشرف يديم الله معاليه: و فرغت من تسويده في صفر سنة أربع و أربعين و ستمائة». و بلغ العراض بالأصل المنتسخ منها ليلة القدر المباركة الواقعة في شهر رمضان المبارك الواقع في شهر سنة سبع وسبعين و ستمائة.».

در کنار ترقیمه یاد شده عبارت دیگری نیز با این مضمون نوشته شده: «مُنَقَّه العبد الضعیف الذلیل میکاییل بن اسمعیل اللجندانی» که احتمالاً بیانگر آن است که میکاییل بن اسماعیل همان کاتبی است که قسمتهای افتاده و محوشده متن و پاره‌ای از حواشی نسخه را بازنویسی و ترمیم کرده است.

از ترقیمه پیشگفته نکات زیر را می‌توان دریافت:

۱- این نسخه از شرح اشارات خواجه از روی نسخه‌ای به خط قطب‌الدین - احتمالاً همان شاگرد شهیر خواجه نصیر و کاتبی، یعنی علامه قطب‌الدین شیرازی (د: ۷۱۰ ه.ق.)^{۳۴} - استنساخ شده است که وی آن را نزد شخص خواجه خوانده بوده. قسمت‌هایی از دست‌نویست قطب‌الدین در مواضع مختلفی به خط خود خواجه کتابت شده بوده است که کاتب نسخه حاضر آن قسمت‌ها را به نحو دقیق با نهادن علامت‌هایی مشخص کرده و اغلب در حواشی نسخه نیز به این امر اشاره کرده است. (برای نمونه نگرید به: تصویرهای شماره ۳ و ۴).

۲- کتابت این نسخه از شرح اشارات خواجه در نیمه رمضان سال ۶۷۷ ه.ق.، یعنی پنج سال پس از درگذشت خواجه نصیر به پایان رسیده بوده و از همین رو بیان شد که دست‌نویست مزبور یکی از قدیم‌ترین نسخه‌های شرح اشارات خواجه به شمار می‌آید.

۳- در انجامه نسخه‌ای که قطب‌الدین شیرازی دست‌نویست خود را از روی آن کتابت کرده بوده، خواجه نصیر به

۳۴. بنا به گزارش ابن قُوطی، قطب‌الدین شیرازی در سال ۶۵۸ وارد مراغه شده و نزد خواجه نصیر و کاتبی و مؤیدالدین غرضی به تحصیل اشتغال یافته و متونی از این استادان را به خط خویش کتابت می‌کرده است. نگرید به: ابن القُوطی، عبدالرزاق بن أحمد، مجمع الآداب فی معجم الألقاب، ج ۳، ص ۴۴۰.

خطّ خودش تاریخ تمام تالیف شرح اشارات را ماه صفر سال ۶۴۴ ه.ق. ثبت کرده بوده است. بنابراین قطب الدّین شیرازى دست نویس خود را مستقیماً از روی نسخه‌ای از شرح اشارات به خطّ خواجه نصیراستنساخ کرده بوده است. در نتیجه، نسخه حاضر (نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح) با یک واسطه به نسخه اصل شرح اشارات خواجه به خطّ همونسب می‌برد.

۴- مقابله نسخه مورد بحث با نسخه قطب الدّین شیرازى در شب قدر ماه مبارک رمضان همان سال ۶۷۷ ه.ق. به پایان رسیده بوده است.

از نکات قابل توجه در خصوص نسخه مورد بحث آن است که در این دست‌نوشته کاتب (سهراب بن امیرالحاج بن محمد القیصرى) با وضع علائمی به نحو دقیق مشخص نموده که در نسخه اصل خواجه نصیرالدّین طوسى از حلّ مشکلات الإشارات او چه کلماتی از متن اشارات ابن سینا را نوشته بوده و چه کلمات و عباراتی را ثبت نکرده بوده است. کاتب بدین منظور قسمت‌هایی از متن اشارات را که خواجه در نسخه خود از شرح اشارات ننوشته بوده بین دو عدد «۲» قرار داده است (نگرید به: تصویر شماره ۵).

با توجه به اینکه هم‌اکنون از نسخه اصل شرح اشارات به قلم خواجه نصیراطلاعى نداریم، همین علائم موجود در نسخه مورد بحث نیز می‌تواند ملاکی برای تشخیص و شناسایی نسخه شرح اشارات به قلم خواجه نصیر به حساب آید (البته اگر مفروض بدانیم که خواجه نصیر تنها یکبار شرح اشارات را به خطّ خود نوشته بوده است). برای نمونه، نسخه شماره ۱۱۵۳ کتابخانه ملّی ایران از کتاب حلّ مشکلات الإشارات که ادعا شده به خطّ خواجه نصیر کتابت شده است^{۳۵} و البته برخی محققان دلایلی علیه این ادعا اقامه کرده‌اند^{۳۶} با مشخصات و اطلاعاتی که نسخه شرح اشارات قطب الدّین شیرازى و نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح از دست‌نویس اصل خواجه از این کتاب در اختیار ما می‌گذارد سازگار نیست؛ زیرا عبارات منقول از متن اشارات در نسخه ۱۱۵۳ کتابخانه ملّی ایران با قسمت‌های مکتوب از متن اشارات در نسخه اصل خواجه از شرح اشارات که با وضع علائمی از سوی کاتب نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح مشخص شده است هماهنگ و همخوان نیست.

در کناره‌ها و میان سطور نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح از کتاب حلّ مشکلات الإشارات حواشی و توضیحات قابل توجهی درج شده است که برخی از آنها به خطّ کاتب متن و برخی دیگر به خطّ نویسنده دیگری است. با توجه به اینکه این نسخه از روی نسخه کتابت شده بردست قطب الدّین شیرازى استنساخ شده است بعید نیست که دست‌کم پاره‌ای از این حواشی متعلق به همو بوده باشد.

(۲) پس از پایان بخش منطق شرح اشارات، رونویس‌گری دیگر در برگ ۶۸ ب و ۶۹ آ پاسخ خواجه نصیر را به مسائل فخرالدین محمد بن عبدالله بیاری قاضی هرات درباره «قول الحکماء فی صدور الموجودات عن مبدئها الأول» و «قول الحکماء فی علم الباری تعالی بالجزئیات علی وجه کلی» کتابت کرده است. صورت کامل این مسائل و پاسخ خواجه به آنها قبلاً زیر عنوان «أجوبة مسائل فخرالدین محمد بن عبدالله بیاری قاضی الهرة» منتشر شده

۳۵. طوسى، نصیرالدین، حلّ مشکلات کتاب الإشارات والتنبيهات مشهور به شرح اشارات، نسخه برگردان به قطع اصل نسخه دست‌نوشته مؤلف (نسخه شماره ۱۱۵۳ کتابخانه ملّی ایران)، با مقدمه: سید محمد عمادى حائرى، مرکز پژوهشى میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹.
۳۶. نگرید به:

Lameer, Joep, "An autograph of Tāūsī's Hall mushkilāt al-ishārāt (the facsimile edition of MS AR. 1153 of the National Library of Iran)", *BIBLIOTHECA ORIENTALIS* LXVIII NO 5-6, september-december 2011, pp. 510 – 518.

ترجمه این مقاله را نگرید در:

لعمیر، یوپ، «حلّ مشکلات الإشارات، دست‌نوشته طوسى؟ نشر عکسى نسخه ۱۱۵۳ کتابخانه ملّی ایران»، ترجمه: منوچهر پزیشک، گزارش میراث، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۴۵، خرداد و تیر ۱۳۹۰، صص ۵۰ - ۵۶.
نیز نگرید به: انصاری، حسن، «نمونه خطّ خواجه طوسى و یک گواهی قرائت از او»، منتشر شده در:

<http://ansari.kateban.com/post/1880>

است. ۳۷

بعد از اتمام بخش‌های طبیعی و الهی از شرح اشارات خواجه رساله‌های زیر با همان خط کاتب شرح اشارات خواجه، یعنی سهراب بن امیرالحاج بن محمد القیصری نوشته شده است:

(۳) در برگ ۲۶۱ آرساله‌ای کوتاه از خواجه نصیرزیر عنوان «و من کلامه تغمده الله بغفرانه إقامة البرهان علی وجود الجوهر المجرّد المسمی بعقل الكل» کتابت شده است. این رساله چند نوبت از جمله یکبار تحت عنوان «اثبات العقل المفارق»^{۳۸} و باری دیگر به نحو مستقل زیر نام «اثبات العقل المجزّد» همراه با پاره‌ای از شروح نگاشته شده بر آن به چاپ رسیده است.^{۳۹}

(۴) در ادامه، متن کوتاهی زیر عنوان «نکته آخری له فی ضرورة الموت» نوشته شده است. این متن قسمتی است از پاسخ خواجه نصیر به پرسش فخرالدین کازرونی در باب ضرورت موت که صورت کامل آن قبلاً به چاپ رسیده است.^{۴۰}

(۵) در دنباله و در برگ ۲۶۱ ب متن کوتاه دیگری از خواجه زیر عنوان «و من کلامه أيضاً تغمده الله بغفرانه» آمده است که پیش از این با عنوان «الکمال الأول و الکمال الثانی» منتشر شده است.^{۴۱}

(۶) در همین صفحه قطعاً مختصری از خواجه نصیرزیر عنوان «و من کلامه» نوشته شده که پیشتر با عنوان «صدور الکثرة» چاپ شده است.^{۴۲}

(۷) در پایان صفحه یاد شده متن مختصر دیگری از همو با عنوان «و من کلامه أيضاً» مکتوب است که قبلاً ذیل عنوان «الطبیعة» به طبع رسیده است.^{۴۳} در انجام این قطعه کاتب تصریح کرده است که این قسمت را از روی خط خواجه نصیر نوشته است: «نقلته من خط المولی نصیر الملمة والدین تغمده الله برحمته».

(۸) از برگ ۲۶۲ آرساله‌ای از «زین الدین صدقة بن علی» با عنوان «هذه شرح مسائل عویصة فی الإشارات من کلام المرحوم زین الدین صدقة رحمه الله» کتابت شده است. با توجه به جمله دعایی «رحمه الله» معلوم می‌شود که زین الدین صدقة قبل از تاریخ استنساخ این رساله در نیمه دوم قرن هفتم درگذشته بوده است. آگاهی‌های چندانی از زین الدین صدقة و آثار او در دست نیست. دورساله در باب اثبات آفریدگار و علم الهی به وی نسبت داده شده و به نام همو چاپ شده است^{۴۴} که بنا به گفته برخی منابع و براساس شماری از دست‌نوشته‌ها این دورساله در اصل، فصول اول و سوم اثری به نام الفصول الثلاثة متعلق به ابن سینا است.^{۴۵}

در رساله شرح مسائل عویصة فی الإشارات، زین الدین صدقة بن علی در بخش نخست و در قالب هشت مسأله به شرح و توضیح پاره‌ای از مطالب دشوار کتاب الإشارات و التنبیهاات ابن سینا پرداخته است و سپس به طرح و بررسی هشت مسأله دیگر از کتاب اشارات و همچنین المبدأ و المعاد ابن سینا دست‌یازیده. این رساله در برگ

۳۷. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، صص ۴۲ - ۴۶.

۳۸. نگرید به: ضمیمه تلخیص المخصّل، صص ۴۷۹ - ۴۸۱.

۳۹. طوسی، نصیرالدین و دیگران (شمس‌الدین کیشی، جلال‌الدین دوانی، شمس‌گیلانی و...)، رساله اثبات العقل المجزّد و شروح آن، تصحیح و تحقیق: طیبه عارف نیا، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن، تهران، ۱۳۹۳.

۴۰. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، صص ۷ - ۱۰.

۴۱. نگرید به: ضمیمه تلخیص المخصّل، ص ۵۲۱.

۴۲. نگرید به: همان، ص ۵۱۶.

۴۳. نگرید به: همان، ص ۵۱۸.

۴۴. نگرید به: جامع البدائع، صص ۱۹۳ - ۲۰۱: «اثبات الصانع القدير للحکيم الجليل والاستاذ النبيل زین الدین علم الحق والیقین الامام صدقة بن علی روح الله رسه» و «صفوة الکلام علی صفة العلم الالهی لسلطان النظار والمتکلمین واسطة عقد أبناء الارشاد والتلقین الاستاذ صدقة ابن علی سقی الله تعالی شریف تربته غوث رحمته».

۴۵. نگرید به: مهدوی، یحیی، فهرست نسخه‌های مصتفات ابن سینا، صص ۲۸۵ - ۲۸۶: الطهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

- ۲۶۹ آبا عبارت «تمت المسائل و شروحها من کلام المرحوم زین الدین صدقة رحمة الله تعالى» به پایان می‌رسد.
- (۹) در دنباله، رساله‌ای زیر عنوان «من فوائد مولانا افضل العصر نصير الملة والدین محمد بن محمد بن الحسن الطوسی تغمده الله برحمته» نگاشته شده که پیش از این تحت نام «ربط الحادث بالقدیم» منتشر شده است.^{۴۶}
- (۱۰) از برگ ۲۹۶ ب متنی با عنوان «مسئلة سئلت عنه رضی الله عنه» مکتوب است که در واقع متن پرسش بهاء الدین میاوی از خواجه نصیر و پاسخ وی به آن است اما با حذف مقدمه پرسش و پاسخ. این متن تحت عنوان «أجوبة مسائل بهاء الدین المیاوی» به طبع رسیده است.^{۴۷}
- (۱۱) از برگ ۲۷۰ تا ۲۷۱ آرساله معروف «بقاء النفس بعد فناء (بوار) الجسد (البدن)» کتابت شده است. در پایان رساله ظاهراً تاریخ جمادی الآخر سال ۶۶۵ ثبت شده است: «کتب فی جمادی الآخر سنة خمس و ستین و ستمائة» که احتمالاً یا تاریخ تألیف رساله به دست خواجه است یا تاریخ کتابت نسخه مستنسخ عنه. این رساله پیش از این چند نوبت منتشر شده است.
- (۱۲) در برگ ۲۷۱ آ مکاتبات فلسفی کاتبی و طوسی آغاز می‌شود. ابتدا رساله کاتبی در نقد برهان صدیقین حکماء نوشته شده است (۲۷۱-آ- ۲۷۲ ب) که در پایان آن ترقیمه کاتب تاریخ اتمام استنساخ رساله را اول ربیع الآخر سال ۶۷۸ هجری قمری نشان می‌دهد: «فرغت من تعلیقها فی أول من ربیع الآخر سنة ثمان و سبعین و ستمائة».
- (۱۳) از برگ ۲۷۲ تا ۲۷۴ آرساله خواجه نصیر در رد ایرادات کاتبی نگاشته شده است.
- (۱۴) در دنباله، پاسخ کاتبی به ردیه خواجه نصیر آمده که تا برگ ۲۷۶ آ ادامه دارد.
- (۱۵) بعد از آن، ردیه طوسی بر پاسخ‌های کاتبی نوشته شده است که در برگ ۲۷۷ ب خاتمه می‌یابد. در ترقیمه کاتب تاریخ ۱۲ ربیع الآخر سال ۶۷۸ برای پایان کتابت آن ثبت شده است: «علق فی الثانی عشر من ربیع الآخر سنة ثمان و سبعین و ستمائة».
- چنانکه پیشتر یادآور شدیم، در این نسخه مکاتبات پنجم و ششم کتابت نشده است.
- (۱۶) در برگ ۲۷۷ ب متنی کوتاه از خواجه نصیر زیر عنوان «ومن فوائد رحمة الله» نوشته شده که پیش از این تحت نام «العلل والمعلولات المترتبة» به چاپ رسیده است.^{۴۸} چند سطر از این رساله در نسخه حاضر متفاوت با آن چیزی است که پیشتر منتشر شده است.
- (۱۷) در آخرین برگ این مجموعه خطی رساله‌ای از خواجه نصیر زیر عنوان «و من کلام المولی نصیر الملة والدین تغمده الله بغفرانه فی علم الله تعالی بالجزئیات علی وجه کلی» کتابت شده که البته فاقد چند سطر آخرین رساله است. چنانکه پیشتر گزارش شد، این رساله در برگ ۶۹ آ از همین مجموعه خطی به قلم کاتب دیگری نیز کتابت شده است. رساله یادشده در واقع بخشی از «أجوبة مسائل فخرالدین محمد بن عبدالله بیاری قاضی الهراة» است که پیش از این توسط مرحوم شیخ عبدالله نورانی منتشر شده است.^{۴۹}

۳-۲- نسخه شماره ۴۸۶۲ کتابخانه ایاصوفیه

دست‌نویست کهن و ارزشمند دیگری که از مکاتبات طوسی و کاتبی می‌شناسیم رونوشتی از آنها است که در

۴۶. نگرید به: ضمیمه تلخیص المخصل، صص ۴۸۲ - ۴۸۴.

۴۷. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، صص ۱۹ - ۲۴.

۴۸. نگرید به: ضمیمه تلخیص المخصل، صص ۵۱۶.

۴۹. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، صص ۴۱ - ۴۶.

مجموعه خطی شماره ۴۸۶۲ کتابخانه ایاصوفیه در ترکیه وجود دارد. این مجموعه نفیس مشتمل بر کتابها و رساله‌هایی به طور عمده در فلسفه و منطق است که براساس گواهی خطی بر روی نسخه و نیز چند ترقیمه در پایان برخی از نسخ این رساله بردست یکی از عالمان حنفی به نام ارشدالدین سرائی در نیمه نخست قرن هشتم هجری کتابت شده است. ظاهراً این مجموعه خطی در قاهره نوشته شده بوده است و بعدها به ترکیه راه یافته است. بر روی صفحه عنوان نسخه چند گواهی شایان توجه وجود دارد که یکی از آنها بیانگر کتابت کل این مجموعه بردست کاتب یادشده است: «هذه المجموعة كلها بخط الشيخ العالم المحقق أرشد الدين السرايى المتوفى بالقاهرة». گواهی دیگر مربوط است به تملک نسخه در قاهره در اواسط ربیع الآخر سال ۷۹۲ برای شخصی به نام محمود بن عبدالله بن عبیدالله الکلبشانی (؟). دوگواهی تملک دیگر نیز وجود دارد که تاریخ آنها قابل قرائت نیست (نگرید به تصویر شماره: ۶).

چنانکه در ترقیمه کاتب در برگ ۳۴ آورده شده است نام کامل کاتب «محمود بن حاجی قتلوشاه السرائی» است. شیخ ارشدالدین أبوالثناء محمود بن قتلوشاه سرائی از عالمان حنفی مصر بوده که در علوم عربی و عقلی و طب و اصول تبخّر داشته است و در سال ۷۷۵ هجری قمری در حالی که افزون بر هشتاد سال داشته است در قاهره در گذشته است.^{۵۰}

در برگ ۳۴ آنجامه‌ای به قلم کاتب در تاریخ آخر (؟) رجب سال ۷۲۴ (که البته کاتب به اشتباه سال ۸۲۴ ثبت نموده) نوشته شده است. همچنین در برگ ۴۲ ب آنجامه‌ای به تاریخ اواسط رجب سال ۷۲۴ ثبت شده است. در برگ ۱۵۹ ب نیز کاتب مجموعه ترقیمه‌ای به تاریخ شوال سال ۷۲۶ نوشته است. به همین نحو در برگ ۱۸۳ آنجامه دیگری با تاریخ اواسط جمادی الآخر سال ۷۲۶ هجری قمری مکتوب است. با توجه به تاریخ‌های یادشده به نظر می‌رسد همه یا بیشتر نسخه‌های این مجموعه خطی طی سالهای ۷۲۴ تا ۷۲۶ کتابت شده است.

در این دست‌نوشته مکاتبات طوسی و کاتبی از برگ ۸۶ ب آغاز می‌شود. ابتدا رساله کاتبی در ردّ برهان صدیقین حکماء نوشته شده است که تا برگ ۸۹ ب ادامه دارد. سپس رساله طوسی در ردّ ایرادات کاتبی کتابت شده که در برگ ۹۱ آ خاتمه یافته و پس از آن رساله دوم کاتبی در پاسخ به ایرادات طوسی آغاز می‌شود. در برگ ۹۴ ب رساله دوم کاتبی به انجام رسیده و بلافاصله پس از آن پاسخ دوم خواجه نصیرالدین طوسی نوشته شده است که این رساله در برگ ۹۷ آ پایان می‌یابد. در این نسخه نیز مکاتبات پنجم و ششم کتابت نشده است. کاتب این مجموعه خطی در فهرست مطالبی که برای رساله‌های مندرج در آن تدارک دیده است از مجموع این چهار مکاتبه طوسی و کاتبی با عنوان «رسالة لنجم الدين الكاتبی فی إثبات واجب الوجود وأخرى لخواجه فی الاعتراضات عليها وأخرى له أيضاً فی الجواب عن الاعتراضات» یاد کرده است.

همچنین در این مجموعه خطی چند رساله دیگر از خواجه نصیرالدین طوسی نیز کتابت شده است که به دلیل اهمیت و قدمت نسخه بسیار شایان توجه است و باید در تصحیح این رساله‌ها از آن استفاده شود. این رساله‌ها عبارتند از:

(۱) از برگ ۹۷ ب تا ۹۸ آ، رساله «إثبات العقل المفارق» یا «إثبات العقل المجرد» که چند بار به چاپ رسیده است.^{۵۱}

۵۰. المقریزی، تقی‌الدین أحمد بن علی، دُرر العقود الفريدة في تراجم الأعيان المفيدة، ج ۳، ص ۴۶۶؛ ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، ج ۴، ص ۳۳۲.

۵۱. نگرید به: ضمیمه تلخیص المُخضَل، صص ۴۷۹ - ۴۸۱؛ طوسی، نصیرالدین و دیگران (شمس‌الدین کیشی، جلال‌الدین دوانی، شمس‌گیلانی و...)، رساله اثبات العقل المجرد و شروع آن، تصحیح و تحقیق: طیبه عارف نیا، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن، تهران، ۱۳۹۳.

- (۲) (از برگ ۹۸ تا ۹۹ آ) رساله‌ای از خواجه که پیش از این تحت نام «ربط الحادث بالقدیم» منتشر شده است.^{۵۲}
- (۳) (از برگ ۱۰۰ ب تا ۱۰۶ ب) پاسخ خواجه به پرسش‌های صدرالدین قونوی که این پاسخها پیشتر هم در المراسلات بین صدرالدین القونوی و نصیرالدین الطوسی^{۵۳} به چاپ رسیده و هم زیر نام «أجوبة نصیرالدین الطوسی عن مسائل صدرالدین القونوی» منتشر شده است.^{۵۴} از نسخه مورد گفت‌وگو در هیچ یک از دو ویراسته یادشده بهره گرفته نشده و با توجه به قدمت این نسخه لازم است در ویراسته‌های بعدی از این مکاتبات از نسخه حاضر نیز استفاده شود.
- (۴) (از برگ ۱۰۸ ب تا ۱۱۱ آ) متن أجوبة مسائل علی بن سلیمان بحرانی و پس از آن (از برگ ۱۱۱ تا ۱۱۹ آ) رساله خواجه در پاسخ به پرسش‌های علی بن سلیمان و شرح رساله احمد بن علی بن سعید بن سعاده بحرانی معروف به شرح مسألة العلم. هر دو رساله قبلاً به چاپ رسیده است.^{۵۵}
- (۵) (برگ ۱۱۹ آ) متنی کوتاه (۱۴ سطر) در منطق از خواجه نصیر درباره عکس سالبه کلیه که با این عبارت آغاز می‌شود: «و أجاب عن الشک الوارد فی عکس السالبة الکلیة الدائمة مولانا سلطان الحکماء الأفاضل قدوة المحققین نصیر الملة والدين برد الله مضجعه قال: إمكن صدق اللزم إنما یلزم علی تقدیر امکان صدق الملزوم ...». این متن ظاهراً تاکنون منتشر نشده است.
- در ادامه (از برگ ۱۱۹ ب تا ۱۲۴ آ) رساله‌ای منطقی با عنوان «حل الشکوک فی التصور والتصدیق» از سراج‌الدین محمد بن شرفشاه حسینی نوشته شده است که با این عبارت خاتمه یافته: «تمت رساله حل الشکوک فی التصور والتصدیق من إملاء الأستاذ المولى ملك السادة أفضل المتأخرین سراج الدین محمد بن شرفشاه الحسینی رحمه الله رحمة واسعة». مرحوم میرزا عبدالله افندی اصفهانی نسخه‌ای از همین رساله را که در سال ۶۹۳ هجری قمری نوشته شده بوده با عین انجامه پیش‌گفته دیده بوده است.^{۵۶} این رساله تا آنجا که راقم این سطور می‌داند به چاپ نرسیده است.
- از برگ ۲۵۴ تا ۲۶۲ آ رساله صدرالدین قونوی موسوم به الرسالة الهادیة^{۵۷} در تعلیق و نقد بر پاسخ خواجه نصیر به پرسش‌های او کتابت شده است.
- (۶) (برگ ۲۷۳ ب) متن کوتاهی منطقی در ۱۶ سطر درباره اقسام ششگانه دلالت لفظ مرکب بر مفهومش که با این عبارت شروع می‌شود: «من کلام المولى المحقق العلامة نصیرالحق والملة والدين محمد بن محمد الطوسی قدس نفسه وروض رسمه اعلم أن دلالة اللفظ المركب علی مفهومه تابعة لدلالة جزئیه علی جزئى مفهوم ...». این نگاشته تا آنجا که راقم این سطور می‌داند به طبع نرسیده است.
- (۷) (برگ ۲۷۴ آ) متنی چند سطر که با این عبارت آغاز می‌شود: «الحرارة تفعل فی الرطب سوادا ...». ظاهراً این متن قسمتی کوتاه از أجوبة المسائل الطبیة است که قبلاً منتشر شده است.^{۵۸}
- (۸) در ادامه متن قبلی دو مکتوب چند سطر موجز به زبان فارسی از کلمات خواجه نصیر نوشته شده است. ظاهراً

۵۲. نگرید به: ضمیمه تلخیص المخصّل، صص ۴۸۲ - ۴۸۴.

۵۳. المراسلات بین صدرالدین القونوی و نصیرالدین الطوسی، تحقیق و مَلَخَصُ الأمانی ففَسَّر: گودزون شوپرت، دارالنشر فرانسیس شتاينر، بیروت، ۱۴۱۶ هـ. / ۱۹۹۵ م، صص ۹۴ - ۱۲۹.

۵۴. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصیرية، صص ۲۲۱ - ۲۳۹.

۵۵. نگرید به: همان، صص ۷۱ - ۱۰۸.

۵۶. نگرید به: افندی الاصبهانی، میرزا عبدالله، تعلیقة أمل الأمل، صص ۲۷۳ - ۲۷۴؛ همو، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۵، ص ۱۰۹.

۵۷. چاپ شده در المراسلات بین صدرالدین القونوی و نصیرالدین الطوسی، صص ۱۴۰ - ۱۷۴؛ طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصیرية، صص ۲۴۰ - ۲۶۴.

۵۸. نگرید به: همان، صص ۱۷۱ - ۱۷۲.

این دو نوشته کوتاه تاکنون منتشر نشده است و از این رو نقل آنها خالی از فایده نیست:

۱- «من کلماته أيضاً در اثبات وجود شخصی در نوع انسان که در اکمال خود محتاج به عالمی نباشد: اگر هر شخصی در اکمال خود به غیر محتاج باشد دور یا تسلسل لازم آید و هر دو مُحال اند. و وجود کمالات در نوع انسان ظاهرست پس شخصی که در اکمال خود به مثل خود محتاج نباشد ظاهر باشد. و حکما بدین اشارت کرده اند تا صاحب قوه قدسی را از نوع بشر، بمجرد التفات نفس، بی وسیلت اکتساب و به چشم طلب حقایق، معارف باصلها روشن باشد. و بعضی اولیا بدین معنی ایما کرده اند کی [= که] خداوند علم لدنی را بی واسطه تعلیم، همه علوم حاصل بود».

۲- «در علم حکمت در کتاب نفس مقرر شده است که واضح ترین معارف و درست ترین تعقلات معرفت مجرداتست به وجود خود که درین باب استدلال و اکتساب را مدخلی نیست. و در علم منطق در کتاب برهان مقرر شده است کی [= که] علم یقینی مکتسب آنست کی [= که] از علت معلول را بشناسند و هرچ [= هرچه] نه به طریق استدلال از علت بر معلول کنند یقین مطلق نباشد. درین مقام چون سخن در معرفت علت اولی می رود و او را علت نیست، پس به اعتراف حکیم معرفت علت اولی یقینی نباشد».

۹) در پایان صفحه یاد شده یک متن منطقی چند سطری به زبان عربی درباره تقابل مفردات نوشته شده که عبارت آغازین آن چنین است: «تقابل المفردین بالسلب و الإيجاب...». این چند سطر هم ظاهراً تاکنون در جایی به چاپ نرسیده است.

۱۰) (برگ ۲۷۴ ب) متنی کوتاه در ابطال تسلسل که پیش از این بخشی از آن تحت نام «العلل والمعلولات المترتبة» به چاپ رسیده است.^{۵۹} در نسخه حاضر متن پیشگفته حدود هفت سطر نسبت به متن منتشر شده افزونتر دارد و احتمالاً صورت کامل این متن باشد.

۱۱) (برگ ۲۷۴ ب - ۲۷۵ آ) رساله خواجه به جمال الدین جیلی که متن آن پیشتر چاپ شده است.^{۶۰}

۱۲) (برگ ۲۷۵) نامه خواجه به شمس الدین خسروشاهی که در آن سه پرسش فلسفی را مطرح نموده است. در نسخه مورد گفت و گو تاریخ نگارش نامه غره رمضان سال ۶۴۴ هجری قمری ثبت شده است. این نامه قبلاً به چاپ رسیده است.^{۶۱}

۱۳) (برگ ۲۷۶ آ - ۲۷۷ آ) رساله خواجه به اثیرالدین ابهری ذیل این عنوان کتابت شده است: «این نامه هم استاد علامه نصیرالحق والملة والدين نوشت با استاد فاضل اثیرالملة والدين الابهری». در پایان نامه کاتب تاریخ نگارش نامه را ذی القعدة سال ۶۰۲ (؟) ثبت کرده: «و این نامه باثیرالدین نوشته شد فی ذی القعدة سنة اثنین و ستمائة» که ظاهراً رقم دهگان شماره سال از قلم فرو افتاده است و تاریخ نادرست ۶۰۲ را رقم زده است. این نامه پیشتر منتشر شده است.^{۶۲}

در ادامه برگ ۲۷۷ آ تا پایان ۲۷۷ ب رساله ای موسوم به «كشف الغطاء لإخوان الصفاء» آمده که در پایان آن کاتب تذکار داده که برخی نگارش این رساله را به شمس الدین کیشی نسبت داده اند. این در حالی است که در منابع دیگر از ابن عربی^{۶۳} و شیخ شهاب الدین سهروردی^{۶۴} نیز به عنوان نویسنده این رساله نام برده شده است.

۵۹. نگرید به: ضمیمه تلخیص المخلص، صص ۵۱۶.

۶۰. نگرید به: طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، صص ۲۷۱ - ۲۷۲.

۶۱. نگرید به: همان، صص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۶۲. نگرید به: همان، صص ۲۷۳ - ۲۷۶.

۶۳. یحیی، عثمان، مؤلفات ابن عربی تاریخها و تصنیفها، صص ۵۳۶.

۶۴. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، ج ۲، صص ۱۴۹۲.

در دنباله رساله یادشده از برگ ۲۷۸ تا ۲۸۴ ب شرح شمس‌الدین کیشی بر رساله اثبات العقل المجرد خواجه به نام «روضه الناظر» کتابت شده است. این شرح پیش از این به طبع رسیده است.^{۶۵}

۴- دو تحریر از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی در جامه چهار ویراست غیر انتقادی

تا آنجا که راقم این سطور می‌داند مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی دست‌کم چهار مرتبه در قالب ویراست‌های مختلف به چاپ رسیده است. این ویراست‌ها تاکنون به تفصیل معرفی و ارزیابی نشده است. حتی در کتابشناسی‌هایی هم که در خصوص آثار خواجه نصیرالدین طوسی انتشار یافته است اغلب تنها به یک ویراست از آن مکاتبات اشاره شده است.^{۶۶} از این رو در ادامه به معرفی و ارزیابی این ویراست‌ها می‌پردازیم.

چنانکه پیشتر بیان شد، از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی یک تحریر اصلی و یک تحریر تلفیقی در دست است. تحریر اصلی این مکاتبات تاکنون دست‌کم سه مرتبه و تحریر تلفیقی نیز یکبار به چاپ رسیده است که در ادامه هر یک را جداگانه بررسی می‌کنیم.

۱۴- ویراست نخست

نخستین بار مکاتبات طوسی و کاتبی توسط محقق اسپانیایی به نام لوسیانو ریبو (Luciano Rubio) در طی سالهای ۱۹۵۱-۱۹۵۲ میلادی با مشخصات زیر منتشر شد:

Rubio, Luciano: "Una controversia del siglo XIII sobre el valor de la prueba de la existencia del ser necesario (Text and translation of five rasā'il by Naṣīraddīn at-Tusī and Najmaddīn al-Kātibī)", *La Ciudad de Dios* (El Escorial) 163, 1951, pp. 119-160; 329-354; 529-570; 164, 1952, pp. 93-128.

در این ویراست متن عربی پنج رساله نخست این مکاتبات به همراه ترجمه اسپانیایی آنها به طبع رسیده است. همین ویراست مجلد در ضمن مجلد ۸۹ از مجموعه فلسفه اسلامی زیر نظر فرؤاد سرگین در آلمان بازچاپ شده است (نگرید به: تصویر شماره ۷).^{۶۷}

ویراست لوسیانو ریبو تنها بر اساس یک نسخه از این مکاتبات فراهم آمده و فاقد متن مکاتبه ششم است. اگرچه تلاش مصحح فرنگی این مکاتبات که با همت خویش در حدود هفتاد سال پیش آن رساله‌ها را همراه با ترجمه اسپانیایی منتشر کرده است شایسته ستایش و سزاوار بزرگداشت است، این امر به هیچ‌روی موجب چشم‌پوشی از خطاها و لغزش‌های وی در کار تصحیح آن مکاتبات نمی‌شود. در ادامه، شماری از اغلاط و أخطاء وارد در ویراست لوسیانو ریبو از نخستین مکاتبه کاتبی و طوسی فهرست می‌شود. ارجاعات ما به این ویراست بر اساس بازچاپ آن در ضمن مجلد ۸۹ از مجموعه فلسفه اسلامی است. در هر مورد زیر ضبط نادرست خطی کشیده شده است و صورت درست آن در سوی مقابل نشان داده شده:

(۱) ص ۵۶، س ۵: «والتَّائِي بَطْلَان» ← باطل.

(۲) ص ۵۸، س ۲: «واعلم أنَّ هذا الإيراد ليس واردا على التَّظْم الطبيعي» ← البرهان.

(۳) ص ۵۸، س ۴: «يلزم أحد الأمور الثَّالِثة» ← الثلاثة.

(۴) ص ۵۹، س ۲: «فلا نسلَّم أنَّه بَطْلَان» ← باطل.

۶۵. نگرید به: طوسی، نصیرالدین و دیگران (شمس‌الدین کیشی، جلال‌الدین دوانی، شمس‌گیلانی و...)، رساله اثبات العقل المعجزد و شروح آن، تصحیح و تحقیق: طیبه عارف نیا، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن، تهران، ۱۳۹۳، صص ۹-۴۴.

۶۶. نگرید به: حسینی، سید حجت‌الحق، کتاب‌شناسی جامع خواجه نصیرالدین طوسی، ص ۷۵۴؛ اشک‌شیرین، سید ابراهیم، رحمانی، حسن، «کتابشناسی خواجه نصیرالدین طوسی»، چاپ شده در: پور جوادی، نصرالله، وسل، زیوا، دانشمند طوس، ص ۸۶؛ کدیور، محسن، نوری، محمد، مأخذشناسی علوم عقلی، ج ۲، ص ۲۳۲۶. همچنین نگاه کنید به:

Daiber, Hans, *Bibliography of Islamic Philosophy*, Vol. 1, p. 688.

67. Islamic philosophy, Volume 89, Edited by Fuat Sezgin, *Nasīraddīn at-Tusī Abū Ja'far Muhammad (d. 672/1274) and Najmaddīn al-Kātibī (d. 675/1276) Texts and Studies Collected and Reprinted*, 2000, Institute for the History of Arabic-Islamic Science at the Johann Wolfgang Goethe University Frankfurt am Main, pp. 54 – 188.

- (۵) ص ۶۰، س ۳: «یکون موجوداً لذاته واجباً» ← واجباً لذاته.
- (۶) ص ۶۱، س ۵: «یلزم أحد الأمور الثلاثة» ← الثلاثة.
- (۷) ص ۶۳، س ۳-۴: «وإمكان ذلك المجموع مستلزم لأن يكون علته إتما نفسه، أو أمراً داخل أو أمراً خارج عنه» ← تكون / أمراً داخلياً فيه / أمراً خارجاً.
- (۸) ص ۶۵، س ۷: «لكل واحد من تلك الممكنات علة موجدة ممكنة» ← موجودة.
- (۹) ص ۷۲، س ۱: «ضرورة توقعه على بقية الأجزاء» ← توقّفه.
- (۱۰) ص ۷۲، س ۹: «فالعلة الثامة لذلك المجموع استحالة أن تكون داخله فيه» ← أمراً داخل.
- (۱۱) ص ۷۲، س آخر: «لانتفاء خارج موجود عن هذا المجموع» ← موجود خارج.
- (۱۲) ص ۷۳، س ۷: «لكان بينه وبين واحد من علله الموجودة في تلك السلسلة علل غير متناهية» ← السلسلة.
- (۱۳) ص ۷۳، س ۸: «ذلك يستلزم انحصار غير المتناهي فيما بين حاضرين» ← طرفين حاضرين.
- (۱۴) ص ۷۳، س ۱۰: «فهو أيضاً بطلان» ← باطل.
- (۱۵) ص ۷۴، س ۲: «لا نسلم أن القسم الأول بطلان» ← باطل.
- (۱۶) ص ۷۹، س ۶: «لتوقّف كون الباري موجداً للعالم على أمر حارث، وذلك الحارث يتوقّف وجوده على حادث آخر» ← حادث / حادث.
- (۱۷) ص ۸۱، س ۸: «موجداً لهذا الحادث اليومي» ← لهذا.
- (۱۸) ص ۸۱، س ۹: «يبين كل واحد من المقامين تعين ما ذكرتموه» ← بعين.
- (۱۹) ص ۸۳، س آخر: «ألا يرى أن الهارب من السبع» ← ترى.
- (۲۰) ص ۷۸، س ۶: «كونه بحاله ليس وجوده ولا عدمه من ذاته» ← بحالة.

همچنین، برخی از افتادگی های مشهود در ویراست مزبور به قرار زیر است. در هر مورد، زیر عبارت از قلم افتاده در ویراست رُیوخط کشیده شده است:

(۱) ص ۶۱، س آخر: «یلزم من صدق هذه الشرطية أن يكون في الوجود موجود واجب لذاته، فتردّ إتما في اللازم أو في الملزوم» ← «یلزم من صدق هذه الشرطية أن يكون في الوجود موجود واجب لذاته، لأنّ اللازم فيها إن كان هو الدور، و الدور باطل، فينتفي ملزومه و يلزم من انتفائه أن يكون ذلك الموجود أو مؤثّره أو مؤثّره واجباً لذاته. وإن كان موجود واجب لذاته، فيردّ إتما في اللازم أو في الملزوم».

(۲) ص ۶۱، س ۶: «أو التسلسل» ← «التسلسل الواحد».

(۳) ص ۶۲، س ۳: «إنّ ذلك الموجود أو مؤثّره إن كان واجباً لذاته فقد حصل المطلوب» ← «إنّ ذلك الموجود أو مؤثّره أو مؤثّره مؤثّره إن كان واجباً لذاته فقد حصل المطلوب».

(۴) ص ۶۵، س ۵: «لو لم يكن في الوجود موجود واجب لذاته يلزم انحصار الموجودات في الممكنات، ولو انحصر الموجودات في الممكنات لزم أحد المجموعات الثلاثة، وهو إتما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور، أو الانحصار المذكور إتما مع تسلسل واحد، أو مع تسلسلات فوق واحدة. أمّا الصغرى فضرورية وأما الكبرى ...» ←

«لو لم يكن في الوجود موجود واجب لذاته لزم انحصار الموجودات في الممكنات، ولو انحصرت الموجودات في الممكنات لزم أحد المجموعات الثلاثة، وهو إتما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور، أو الانحصار المذكور إتما مع تسلسل واحد، أو مع تسلسلات فوق واحدة. وهما ينتجان: لو لم يكن في الوجود موجود واجب لذاته يلزم أحد المجموعات الثلاثة. وهو إتما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور أو هذا الانحصار إتما مع تسلسل واحد أو مع تسلسلات فوق واحدة. أمّا الصغرى فضرورية وأما الكبرى ...».

(۵) ص ۷۰، س ۳: «وما ذکرناه علی طریق التقتض ترکناه فاقصرناه علی المنع» ← «وما ذکرناه من الصورة لا نذکره علی طریق التقتض بل علی طریق مستند المنع ولو ذکرناه علی طریق التقتض ترکناه واقصرناه علی المنع».

(۶) ص ۷۵، س ۱۰: «أما الأولى فلزیادتها علیها بمقدار متناه وقد فرضنا غیر متناه» ← «أما الأولى فلزیادتها علیها بمقدار متناه ووجوب تناهی الزائد علی المتناهی بمقدار متناه، وقد فرضنا غیر متناهیین».

(۷) ص ۷۶، س ۲: «لعجزنا توهم الانطباق» ← «لعجزنا عن توهم الانطباق».

(۸) ص ۷۷، س ۷: «لوجوب افتقار المعلول إلى العلة، فيلزم افتقار كل واحد منهما إلى الآخر» ← «لوجوب افتقار الكل إلى الجزء، فلو كان فرد من أفراد علة له لكان هو مفتقرا إلى ذلك الفرد، لوجوب افتقار المعلول إلى العلة، فيلزم افتقار كل واحد منهما إلى الآخر».

(۹) ص ۸۰، س ۱: «وذلك الحادث علی حادث آخر» ← «وذلك الحادث يتوقف علی حادث آخر».

(۱۰) ص ۸۲، س ۳ - ۵: «لو كان كذلك لتوقف علی حادث آخر، وذلك الحادث علی حادث آخر قبله وإلا لكان أزلّیا» ← «لو كان كذلك لتوقف كل حادث علی حادث، وذلك الحادث توقف علی حادث آخر قبله وإلا لكان أزلّیا».

اشکالات پیشگفته تنها بخشی از اغلاط و نادرستی های موجود در ویراست لوسیانورژییوست و اگر چهار مکاتبه دیگر این سلسله مکاتبات را نیز با دقت بررسی کنیم حتماً میزان خطاها و لغزش های وی در ویراستی که ارائه کرده است به چند برابر آنچه گذشت بالغ می شود. براین اساس، آشکارا می توان گفت که ویراست ژیبواز مکاتبات طوسی و کاتبی ویراستی عالمانه و انتقادی و معتبر نیست. اگر ژیبو که در حدود هفتاد سال پیش به تصحیح این مکاتبات دست یازیده بوده است به نسخه های بیشتر و بهتری از آنها دسترسی می داشت و از آنها در ویراست خود بهره می برد به احتمال زیاد می توانست ویراستی به مراتب استوارتر و بهتر از آنچه ارائه کرده است فراهم آورد.

۲-۴- ویراست دوم

دومین ویراست از متن مکاتبات طوسی و کاتبی در سال ۱۹۵۶ میلادی به اهتمام شیخ محمد حسن آل یاسین در بغداد با مشخصات زیر انتشار یافت:

مُطَارَحَاتِ فِلْسَفِيَّةٍ بَيْنَ نَصِيرِ الدِّينِ الطُّوسِيِّ وَنَجْمِ الدِّينِ الْكَاتِبِيِّ (نفاثات المخطوطات، المجموعة السابعة)، بتحقيق: الشيخ محمد حسن آل ياسين، مطبعة المعارف، بغداد، ۱۳۷۵ - ۱۹۵۶، ۶۸ ص.

این ویراست نیز شامل پنج مکاتبه نخست است و در آن مکاتبه ششم، یعنی پاسخ طوسی به اعتراف نامه کاتبی چاپ نشده است. ویراست آل یاسین از مکاتبات تنها براساس یک نسخه متعلق به کتابخانه شخصی رشید الصفار المحامی فراهم آمده که تاریخ اتمام کتابت آن در ترقیمه کتاب سال ۱۱۳۱ هجری قمری قید شده است. نسخه مزبور با اغلاط و افتادگی های خرد و کلان قابل توجهی همراه است که همین امر موجب آشفتگی و ناستواری ویراست فراهم آمده بر بنیاد آن شده است. در ادامه فقط از باب نمونه به چند مورد از افتادگی های کلان مشهود در ویراست آل یاسین اشاره می شود تا ضعف و بی اعتباری آن تصحیح آشکار گردد. در هر مورد، در زیر عباراتی که از ویراست آل یاسین افتاده است خطی کشیده شده است:

(۱) ص ۵، س ۷:

ضبط ناقص عبارت در ویراست آل یاسین: «يلزم من صدق هذه الشرطيّة أن يكون في الوجود موجود واجب لذاته، فيردّ إما في اللازم أو في الملزوم».

چهار ویراست غیر انتقادی از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی: نقی و برسی، دکترا

ضبط کامل و درست عبارت: «یلزم من صدق هذه الشرطية أن يكون في الوجود موجود واجب لذاته، لأنّ اللازم فيها إن كان هو الدور، والدور باطل، فينتفي ملزومه و يلزم من انتفائه أن يكون ذلك الموجود أو مؤثره أو مؤثره واجبا لذاته. وإن كان هو وجود موجود واجب لذاته، فيردّ إما في اللازم أو في الملزوم».

(۲) ص ۶، س ۱۷:

ضبط ناقص عبارت در ویراست آل یاسین: «لولم يكن في الوجود موجود واجب لذاته يلزم انحصار الموجودات في الممكنات، ولو انحصرت الموجودات في الممكنات لزم أحد المجموعات الثلاثة، وهو إما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور، أو الانحصار المذكور إما مع تسلسل واحد، أو مع تسلسلات فوق واحدة. أما الصغرى فضرورية وأما الكبرى ...».

ضبط کامل و درست عبارت: «لولم يكن في الوجود موجود واجب لذاته لزم انحصار الموجودات في الممكنات، و لو انحصرت الموجودات في الممكنات لزم أحد المجموعات الثلاثة، وهو إما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور، أو الانحصار المذكور إما مع تسلسل واحد، أو مع تسلسلات فوق واحدة. وهما ينتجان: لولم يكن في الوجود موجود واجب لذاته يلزم أحد المجموعات الثلاثة. وهو إما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور أو هذا الانحصار إما مع تسلسل واحد أو مع تسلسلات فوق واحدة. أما الصغرى فضرورية وأما الكبرى ...».

(۳) ص ۱۱، س ۸:

ضبط ناقص عبارت در ویراست آل یاسین: «أما الأولى فلزيادتها عليها بمقدار متناهٍ، وقد فرضنا غير متناهٍ من ذلك الطرف. هذا خلف محال».

ضبط کامل و درست عبارت: «أما الأولى فلزيادتها عليها بمقدار متناهٍ ووجوب تناهي الزائد على المتناهي بمقدار متناهٍ، وقد فرضنا غير متناهييتين من ذلك الطرف. هذا خلف محال».

(۴) ص ۱۱، س ۱۳:

ضبط ناقص عبارت در ویراست آل یاسین: «الممكن من حيث أنه ممكن موجود، و يلزم منه وجود موجود ممكن جزء من هذا الممكن».

ضبط کامل و درست عبارت: «الممكن من حيث إنه ممكن موجود. و يلزم منه وجود موجود واجب لذاته. أما المقدمّة الأولى، فلأنّ هذا الممكن موجود، و الممكن من حيث إنه ممكن جزء من هذا الممكن».

(۵) ص ۱۴، س ۱۴:

ضبط ناقص عبارت در ویراست آل یاسین: «لو كان كذلك لتوقف كلّ حادث، على حادث لا إلى نهاية. وإنه محال».

ضبط کامل و درست عبارت: «لو كان كذلك لتوقف كلّ حادث، على حادث، و ذلك الحادث توقف على حادث آخر قبله و إلا لكان أزلياً. و ذلك الحادث الثاني على حادث آخر قبله. فقبل كلّ حادث حادث آخر لا إلى نهاية وإنه محال».

(۶) ص ۱۴، س ۱۹:

ضبط ناقص عبارت در ویراست آل یاسین: «لولم يكن جميع ما يتوقف على حادث، و ذلك الحادث على حادثٍ آخر؛ فقبل كلّ حادثٍ حادثٌ لا إلى نهاية».

ضبط کامل و درست عبارت: «لولم يكن جميع ما يتوقف عليه كون الباري موجداً للعالم حاصلًا في الأزل لتوقف على حادث، و ذلك الحادث على حادثٍ آخر؛ فقبل كلّ حادث حادثٌ لا إلى نهاية».

(۷) ص ۲۲، س ۱۲:

ضبط ناقص عبارت در وىراست آل ياسين: «فقد تبين أن الموضوع الذي يبحث عنه يكون المؤثر فى المجموع من حيث هو مجموع بوساطة الأجزاء.».

ضبط كامل و درست عبارت: «فقد تبين أن الموضوع الذي يبحث عنه يكون المؤثر فى المجموع مؤثراً فى كل أجزائه. و هاهنا لا يتصور أن يكون المؤثر فى المجموع من حيث هو مجموع شيئاً غير الأجزاء.».

(۸) ص ۲۵، س ۴:

ضبط ناقص عبارت در وىراست آل ياسين: «و كذلك كون الحاصل من تضعيف الأمر مراراً غير متناهية ناقصاً من الحاصل من تضعيف الألفين مراراً غير متناهية لا ينافى عدم تناهيهما لا غير.».

ضبط كامل و درست عبارت: «و كذلك يكون الحاصل من تضعيف الألف مراراً غير متناهية ناقصاً من الحاصل من تضعيف الألفين مراراً غير متناهية لا ينافى عدم تناهيهما لوقوع الزيادة و التقصان فيهما من الجهة التي هما بتلك الجهة متناهيان و فيها الألف و الألفان و وقوعهما فى الجهة التي هما بتلك الجهة غير متناهيين و يوجب لا تناهيهما لا غير.».

۹- ص ۲۶، س ۴:

ضبط ناقص عبارت در وىراست آل ياسين: «الممكن من حيث أنه ممكن لا يكون موجوداً و لا معدوماً و لا جزءاً من هذا الممكن، و لا يصح أن يوصف بشيء غيره.».

ضبط كامل و درست عبارت: «الممكن من حيث إنه ممكن لا يكون موجوداً و لا معدوماً و لا جزءاً من هذا الممكن، و لا يصح عليه القسمة بأنه واجب أو ممكن. و ذلك أن الممكن المقيد بهذه الحيثية لا يصح أن يوصف بشيء غيره.».

۱۰- ص ۴۴، س ۷:

ضبط ناقص عبارت در وىراست آل ياسين: «ينطبق مراتب العلل بأسرها على مراتب المعلولات [بلازدياد] بشيء أصلاً. و نبين ذلك فى الجملتين غير المتناهييتين.».

ضبط كامل و درست عبارت: «ينطبق مراتب العلل بأسرها على مراتب المعلولات و لا يزيد مراتب العلل على مراتب المعلولات بشيء أصلاً. و نبين ذلك فى الجملتين المتناهييتين، ليظهر ذلك فى الجملتين غير المتناهييتين.».

۱۱- ص ۴۴، س ۱۳:

ضبط ناقص عبارت در وىراست آل ياسين: «فإذا جعلنا المرتبة الأولى من العلل مبدءاً للجملة الحاصلة من مراتب المعلولات...».

ضبط كامل و درست عبارت: «فإذا جعلنا المرتبة الأولى من العلل مبدءاً للجملة الحاصلة من مراتب العلل و المرتبة الأولى من المعلولات مبدءاً للجملة الحاصلة من مراتب المعلولات.».

در وىراست آل ياسين اغلاط و افتادگى هاى پرشمار ديگرى نيز وجود دارد كه با توجه به موارد پيشگفته نيازى به بازگفت آنها نيست. اگر مرحوم آل ياسين از ديگر نسخه هاى اين مكاتبات كه از آنها آگاه بوده نيز در تصحيح خود بهره مى گرفت يقيناً مى توانست وىراست استوارترى عرضه نمايد.

۴-۳- وىراست سوم

سومين وىراست از تحرير اصلى مكاتبات طوسى و كاتبى به اهتمام مرحوم شيخ عبدالله نورانى در تهران و در سال ۱۳۸۳ هجرى شمسى در ضمن مجموعه رسائلى از خواجه نصيرالدين طوسى با مشخصات زير منتشر شد:

طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية (مشمول بر ۲۰ رساله)، به اهتمام: عبدالله نورانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۳، صص ۱۰۹ - ۱۵۴.

در این ویراست برای نخستین بار هر شش مکاتبه به طور کامل چاپ شده است. مُصَحَّح اگرچه در مقدمه خود به شناسایی سه نسخه از مکاتبات طوسی و کاتبی اشاره کرده است^{۶۸}، به دست نوشت اساس تصحیح خود هیچ تصریحی ننموده و از آنجا که هیچ نسخه بدل و سازواره انتقادی نیز ارائه ننموده به نظر می‌رسد که ویراست خود را تنها بر مبنای یک نسخه عرضه کرده است.

ویراست شیخ عبدالله نورانی از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی ویراستی غیر انتقادی و مغلوط و عیبناک است و عبارتهای مبهم و نامفهوم بسیار دارد. برای اینکه میزان نادرستی‌ها و افتادگی‌های ویراست مرحوم نورانی - که هم‌اکنون متداول‌ترین ویراست از مکاتبات طوسی و کاتبی است - آشکار گردد در ادامه فهرستی از آنها ارائه می‌شود. به منظور تشخیص اغلاط و ویراست مورد بحث از دو نسخه کهن این مکاتبات که پیشتر معرفی کردیم، یعنی دست‌نوشت شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح و نسخه موجود ضمن مجموعه خطی شماره ۴۸۶۲ کتابخانه ایاصوفیه بهره برده‌ایم.

ردیف	نشانی	ضبط غلط در ویراست عبدالله نورانی	ضبط صحیح
۱	ص ۱۰۹، س ۱۳	فذلك المؤثران كان نفس ما كان أثرا له لزم الدور	بعض
۲	ص ۱۱۰، س ۱۴	واعلم أن هذا الإيراد ليس واردا على التظم الطبيعي	البرهان
۳	ص ۱۱۰، س ۱۶	وجود واجب موجود لذاته	موجود واجب
۴	ص ۱۱۳، س ۳	أو هذا الانحصار إما مع انحصار تسلسل واحد أو مع تسلسلات فوق واحدة	مع تسلسل واحد
۵	ص ۱۱۳، س ۱۰	ويستثنى نقيض تاليها بأن قول: كل واحد هذه المجموعات	بأن نقول / واحدة من هذه
۶	ص ۱۱۳، س ۱۱	ولو كان الشيء علة لعلة أو علة علة	لعلّة
۷	ص ۱۱۴، س ۹	لافتقاره إلى أجزائه التي هي غيره و استلزم ذلك إمكانية	استلزام
۸	ص ۱۱۵، س ۱۳	فإن المجموع المركب من جميع الممكنات ممكن	الموجودات
۹	ص ۱۱۵، س ۱۵	ولا أمرا خارجا منه؛ لأنه متفاوت موجود خارج عن هذا المجموع	لانتهاء
۱۰	ص ۱۱۶، س ۱۳	الجملة الأولى زائدة على الجملة الثانية بمقدار عدد غير متناه	متناه
۱۱	ص ۱۱۷، س ۱۸	ليس وجوده ولا عدمه من ذاته	وجوده
۱۲	همان	كل واحد منهما يحصل له لعلّة خارجة عن ذاته	بعلة
۱۳	ص ۱۱۸، س ۴	لكان وجوده موقوفا على غير الحادث	غیر
۱۴	ص ۱۱۸، س ۱۱	لزم الترجيح من غير مرجح	الترجيح
۱۵	ص ۱۱۸، س ۱۵	ولو كان كذلك لوجب أن لا يوجد للعالم تغيير أصلا	في العالم
۱۶	ص ۱۱۸، س ۱۹	لو صحّ جميع مقدمات ما ذكرتم من الدليل لزم أن يكون جميع الموجودات الممكنة حتى الحوادث اليومية أزلية. لا يقال: كل ما يتوقف عليه كون الباري تعالى موجدا لهذا الحادث اليوميّ حاصل في الأزل، ومتى كان كذلك كان الحادث اليوميّ قديما	لأنه يقال

۶۸. طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية، ص بیست و یک از مقدمه عبدالله نورانی.

ردیف	نشانی	ضبط غلط در ویراست عبدالله نورانی	ضبط صحیح
۱۷	ص ۱۱۹، س ۱۴	لم قلت <u>بأن الترجیح</u> من غیر مرجح محال	بأن الترجیح
۱۸	ص ۱۲۰، س ۵	<u>وأثبتها</u> ، وأوردت ما سَنَح لي في كل موضع مما يتعلق <u>بإيراد</u> المستفيدين	فأثبتها / به إيراد
۱۹	ص ۱۲۰، س ۱۹-۲۱	وكل فرد من آحادها أو كل جملة هي جزء من السلسلة لا يصلح لأن تكون علة تامة لها، فإنها لو كانت علة لكانت، أولاً، <u>لعلتها</u> المستقلة القريبة وهي الأجزاء <u>جميعها</u>	و / علة لعلتها / جميعاً
۲۰	ص ۱۲۱، س ۱۰	كل ممكن يفرض من جملة الممكنات <u>الموجدة</u> فهو محتاج إلى مؤثر	الموجودة
۲۱	ص ۱۲۱، س ۱۸	لكون الجميع في الحكم عليها بافتقارها <u>على</u> أمر خارج واحد	إلى
۲۲	ص ۱۲۱، س ۲۲	هذا <u>البرهان</u> مما يصحح الصورة	البيان
۲۳	ص ۱۲۲، س ۸	إذا كان شيئان <u>أحدهما</u> متقدّم بالذات على الآخر	أحدهما
۲۴	ص ۱۲۳، س ۴	فقد تبين أن الموضوع الذي يبحث عنه <u>كون</u> المؤثر في المجموع مؤثراً في كل أجزائه	يكون
۲۵	ص ۱۲۳، س ۱۸	وإن كان المؤثر في جزء غير المؤثر في جزء <u>جزء</u> أو في المجموع	آخر
۲۶	ص ۱۲۴، س ۳	الحد التام المشتمل على جميع أجزاء <u>الحدود</u> علة بالاتفاق، لتصور المحدود المجتمع من تلك الأجزاء	المحدود
۲۷	ص ۱۲۴، س ۱۲	لأنه على تقدير <u>المتناهي</u> . وعلى تقدير عدم التناهي لا يكون بعد الكل شيء حتى يمكن أن يتصور أن الكل يقع بين المعلول الأول وبين شيء غيره.	التناهي
۲۸	ص ۱۲۵، س ۱۴	فإذا رجعت إحدى تلك <u>المراتب</u> ، وامعن في الشير	جعلت / المراتب مبدأ
۲۹	ص ۱۲۵، س ۱۷	وهذا الانطباق واقع في <u>الوجوب</u>	الوجود
۳۰	ص ۱۲۶، س ۲	الممكن الذي يوصف <u>بالموجود</u> هو المأخوذ بلا قيد	بالوجود
۳۱	ص ۱۲۶، س ۱۱	وجوب <u>إنهاء</u> العلة الممكنة إلى واجب لذاته	انتهاء
۳۲	ص ۱۲۶، س ۱۴	هذا آخر ما <u>أوردنا</u> إيراده في هذه الأوراق	أردنا
۳۳	ص ۱۲۶، س ۲۲	ولا يجب في كل ما لا يعلم وجوده.	نفى
۳۴	ص ۱۲۸، س ۵	معترفاً بالقصور والعجز عن <u>دركه</u> كنه ما ذكره وحققه	درك
۳۵	ص ۱۲۸، س ۵	ملتصفاً من لطفه. <u>لعميم</u> وإنعامه العسيم	العميم
۳۶	ص ۱۲۸، س ۱۵	وأما الجملة، فلأن العلة التامة لها هي ما فرضناه مبدأ <u>أولاً</u> مع جميع أجزائها	أولى
۳۷	ص ۱۳۰، س ۴	لا نسلم باستحالة كونها ممكنة.	استحالة
۳۸	ص ۱۳۱، س ۱۴	العلة التامة هو مع ما قبله من الأجزاء فقط، وهذا المجموع مع أمر خارجي مباين.	أو
۳۹	ص ۱۳۱، س ۲۱	لم لا يجوز أن تكون علة المجموع <u>علة</u> الأجزاء مع أمر مباين عنه	جميع
۴۰	ص ۱۳۲، س ۱۵	وما ذكرتموه من الهيئة والتركيب إن كانا داخلين في ماهية المجموع استحالة أن يكونا أو <u>أحدهما</u> علة تامة	وحدهما
۴۱	ص ۱۳۶، س ۱۰	فظاهراً أنه لا مؤثر تام خارجي، لانتفاء <u>موجودها</u> ، خارج عنه حينئذ.	تام له / موجود
۴۲	ص ۱۳۶، س ۱۱	لو ثبت أن <u>المثبت</u> أن المؤثر التام لكل مجموع جميع أجزائه	لو ثبت أن المؤثر

ردیف	نشانی	ضبط غلط در ویراست عبدالله نورانی	ضبط صحیح
۴۳	ص ۱۳۶، س آخر	و جميع الأجزاء التي يشتمل عليها الحدّ التام الموجب تصوّره لتصوّر المحدود ليس هو جميع أجزاء <u>المجموع</u> بالحقيق	المحدود
۴۴	ص ۱۳۸، س ۳	منعنا انطباق الجملة الثّانية من طرف المبدأ	انقطاع
۴۵	ص ۱۳۸، س ۱۱	و أمّا ما ذكرتموه في جواب هذا <u>السائل</u>	السؤال
۴۶	ص ۱۳۸، س ۲۰	و عدد كلّ واحد من مراتب العلل و مراتب <u>المعلولات</u> سعة.	المعلول تسعة
۴۷	ص ۱۴۰، س ۱۱	القول بجواز ترجيح أحد المتساويين من <u>يُترجّح</u>	غير مرجّح
۴۸	ص ۱۴۱، س ۵	هذا الكلام على غير <u>مستند</u>	على المستند
۴۹	ص ۱۴۱، س ۲۰	أوردت ما <u>منح</u> لي من الأسئلة و الأجوبة	سنع
۵۰	ص ۱۴۲، س ۷	أى يدخل لصدق هذه المقدّمة في هذا المطلوب	مدخل
۵۱	ص ۱۴۲، س ۱۲	<u>واستد لنا بنفس الأوتية</u> عن عللها على انتفائها	فاستدلنا / بنفى
۵۲	ص ۱۴۵، س ۱۳	فهذا هو المراد من <u>البيان</u> الذي أورده	التنافي
۵۳	ص ۱۴۸، س ۸	حكمانا بوجود و <u>جود</u> تلك <u>السلسلة</u>	وجود / السلسلة
۵۴	ص ۱۴۸، س ۱۸	و البعيد يكون مؤثرا في <u>الأحاد</u> ثم في <u>المجموع</u> في المجموع	و بتوسطها
۵۵	ص ۱۴۹، س ۱۱	فلو كانتا نفس الشئىء لزم تقدّم الشئىء على نفسه، و لزم أن يكون هو <u>علّة</u> له لا غير.	علّته
۵۶	ص ۱۵۱، س ۴	و نحن <u>قدما</u> جاوزنا الخامسة	ما
۵۷	ص ۱۵۱، س ۱۶	و إلّا لزم تقدّم الشئىء على نفسه	الممكن
۵۸	ص ۱۱۵، س ۲	أمّا إن كان كلّ واحد منهما <u>محالا</u> فظاهر	أن كلّ / محال
۵۹	ص ۱۱۵، س ۲۱	ذلك يستلزم انحصار <u>الغير المتناهي</u>	غير المتناهي
۶۰	ص ۱۱۳، س ۲۲	تعيّن أن <u>تكون</u>	تكون

همچنین پاره‌ای از افتادگی‌های مشهود در ویراست مرحوم نورانی به شرح زیر است:

ردیف	نشانی	ضبط ناقص در ویراست نورانی	ضبط کامل	کلمه یا عبارت از قلم افتاده
۱	ص ۱۰۹، س ۷	حرزتها بالتماس من شاركتهم في البحث من العلماء	حرزتها بالتماس <u>بعض</u> من شاركتهم في البحث من العلماء	بعض
۲	ص ۱۰۹، س ۱۴	يتوقف كلّ منهما على الآخر	يتوقف كلّ واحد منهما على الآخر	واحد
۳	ص ۱۱۰، س ۳	و إلّا لحصل مجموع مركّب من أفراد متناهية	و إلّا لحصل مجموع مركّب من أفراد <u>غير متناهية</u>	غير
۴	ص ۱۱۰، س ۱۱	ولمّا بطل القسمان	ولمّا بطل <u>هذان</u> القسمان	هذان
۵	ص ۱۱۲، س ۶	و إن كان هو التسلسل واحدا كان أو أكثر من الأفراد الغير المتناهية ممكنا	و إن كان <u>اللازم</u> هو التسلسل واحدا كان أو أكثر من الأفراد الغير المتناهية ممكنا	اللازم / و هو ملزوم لكون المجموع الحاصل
۶	ص ۱۱۳، س ۴	لكلّ واحد من تلك الممكنات <u>علّة</u> موجودة ممكنة	لكلّ واحد من تلك الممكنات <u>الموجودة</u> <u>علّة</u> موجودة ممكنة	الموجودة

ردیف	نشانی	ضبط ناقص در ویراست نورانی	ضبط کامل	کلمه یا عبارت از قلم افتاده
۷	ص ۱۱۳، س ۱۲	یلزم افتقار علته أو علته إليه	یلزم افتقار علته أو <u>علته</u> علته إليه	علته
۸	ص ۱۱۴، س ۱۵	وما ذکرناه من الصّورة على طریق التّقض تركناه واقتصرنا على المنع	وما ذکرناه من الصّورة لا نذكره على طریق التّقض بل على طریق المنع ولو ذکرناه <u>على طریق التّقض تركناه واقتصرنا على المنع</u>	لا نذكره / بل على طریق مستند المنع ولو ذکرناه على طریق التّقض
۹	ص ۱۱۶، س آخر	یلزم منه وجود موجود لذاته	یلزم منه وجود موجود واجب لذاته	واجب
۱۰	ص ۱۱۷، س ۱۹	ومن البین أنّ هذا عقلي لا وجود له	ومن البین أنّ هذا اعتبار عقلي لا وجود له	اعتبار
۱۱	ص ۱۲۰، س ۱۱	کَلَّ عِلَّةٌ تَامَةٌ فِي إِفَادَةِ مَعْلُولِهَا	کَلَّ عِلَّةٌ تَامَةٌ فِي إِفَادَةِ مَعْلُولِهَا	علته
۱۲	ص ۱۲۰، س ۱۷	كانت العلل متصاعدة في جانب العلية إلى ما يتناهي	كانت العلل متصاعدة في جانب العلية إلى ما يتناهي	لا
۱۳	ص ۱۲۴، س ۱۸	وعلى تقدير الانطباق يكون وجود المقدار المتناهي في إحدهما وعدمه متساويين	وعلى تقدير إمكان الانطباق يكون وجود المقدار المتناهي في إحدهما وعدمه متساويين	إمكان
۱۴	ص ۱۲۵، س ۵	لوقوع الزيادة والتقصان فيهما من الجهة التي هناك بتلك الجهة متناهيين	لوقوع الزيادة والتقصان فيهما من الجهة التي هناك بتلك الجهة متناهيان وفيها الألف والألفان ووقوعهما في الجهة التي هما بتلك الجهة غير متناهيين	هما بتلك الجهة متناهيان وفيها الألف والألفان ووقوعهما في الجهة التي هما / غير
۱۵	ص ۱۲۵، س ۱۴	فإذا رجعت إحدى تلك المراتب، و امعن في السير	فإذا جعلت إحدى تلك المراتب مبدأ، و امعن في السير	مبدأ
۱۶	ص ۱۲۷، س ۲۱	بيّن في أثناء تلك الأجوبة والأسئلة تحقيقات وتدقيقات وتقريرات	بيّن في أثناء إيراد تلك الأجوبة والأسئلة تحقيقات وتدقيقات وتقريرات	إيراد
۱۷	ص ۱۲۸، س ۳	بالغ في الإشارة إلى ما تخيل لي في تلك الفوائد	بالغ في الإشارة إلى إيراد ما تخيل لي في تلك الفوائد	إيراد
۱۸	ص ۱۲۸، س ۱۰	على أنا لو فرضنا وجودها	على معنى أنا لو فرضنا وجودها	معنى
۱۹	ص ۱۲۸، س ۱۰	أنا لو فرضنا وجودها عدا ما حصلت أجزاء تلك الجملة	أنا لو فرضنا وجودها مع قطع النظر عن وجود ما عداها حصلت أجزاء تلك الجملة	مع قطع النظر عن وجود
۲۰	ص ۱۲۸، س ۱۴	فلأنّ العلة لكل واحد من الأجزاء	فلأنّ العلة التامة لكل واحد من الأجزاء	التامة
۲۱	ص ۱۳۱، س ۱۰	قلنا: لا نسلم المقدّمة	قلنا: لا نسلم صدق المقدّمة	صدق
۲۲	ص ۱۳۲، س ۸	وإذا كان كذلك احتمال أن العلة للمجموع هي تلك الهيئة	وإذا كان كذلك احتمال أن العلة للمجموع هي تلك الهيئة	يكون
۲۳	ص ۱۳۸، س ۳	على تقدير الانطباق	على تقدير عدم الانطباق	عدم
۲۴	ص ۱۳۸، س ۹	لأنّ فرضنا انطباق المتناهي	لأنّ فرضنا انطباق الطرف المتناهي	الطرف
۲۵	ص ۱۳۸، س ۱۸	إذا فرضنا أنّ مراتب العلل والمعلولات عشرة، فمن البين أنّ الواحد الواقع في المرتبة الأولى من هذه العشرة معلول فقط	إذا فرضنا أنّ مراتب العلل والمعلولات عشرة، فمن البين أنّ الواحد الواقع في المرتبة الأولى من هذه العشرة معلول فقط	العشرة

ردیف	نشانی	ضبط ناقص در ویراست نورانی	ضبط کامل	کلمه یا عبارت از قلم افتاده
۲۶	ص ۱۳۹، س ۱	وإذا كان كذلك في المتناهيين فلم يجوز أن يكون الأمر كذلك في غير المتناهيين	وإذا كان ذلك في المتناهيين كذلك فلم لا يجوز أن يكون الأمر كذلك في غير المتناهيين	ذلك / لا
۲۷	ص ۱۳۹، س ۸	وجوب انتهاء العلة إلى الواجب لذاته	وجوب انتهاء العلة الممكنة إلى الواجب لذاته	الممكنة
۲۸	ص ۱۳۹، س ۱۰	وليس غرضنا من الممكن، من حيث هو ممكن، هو الممكن بشرط أن يكون معه شيء آخر	وليس غرضنا من الممكن، من حيث هو ممكن، هو الممكن بشرط أن لا يكون معه شيء آخر	لا
۲۹	ص ۱۳۹، س ۱۲	وليس هذا الحمل لفظيًا، بل معنويًا	وليس هذا الحمل حملًا لفظيًا، بل معنويًا	حملًا
۳۰	ص ۱۳۹، س ۲۱	أنه موجود وجزء من كل موجود	أنه موجود وجزء من كل ممكن موجود	ممكن
۳۱	ص ۱۴۰، س ۱۴	جملة ما يتوقف عليه وجود العالم في الأزل كانت حاصلة يلزم منه قدم العالم	جملة ما يتوقف عليه وجود العالم في الأزل لو كانت حاصلة يلزم منه قدم العالم	لو
۳۲	ص ۱۴۱، س ۲۲	متوقعًا أن يذكر عليه من القبول والرد	متوقعًا أن يذكر ما عليه من القبول والرد	ما
۳۳	ص ۱۴۲، س آخر	فإذن بين الأجزاء بأسرها وبين المجموع فرق في المفهوم	فإذا قيل الأجزاء بأسرها دخلا فيه وحينئذ لا يكون بين الأجزاء بأسرها وبين المجموع فرق في المفهوم	فإذا قيل الأجزاء بأسرها دخلا فيه وحينئذ لا يكون
۳۴	ص ۱۴۸، س ۱۰	ولم ندع انعكاس الموجبة الكلية	ولم ندع انعكاس الموجبة الكلية كلية	كلية
۳۵	ص ۱۴۹، س ۱۱	فلو كانتا نفس الشيء لزم تقدم الشيء على نفسه، ولزم أن يكون هو علة له لا غير.	فلو كانتا نفس الشيء لزم تقدم الشيء على نفسه، ولزم أن يكون الشيء هو علة له لا غير.	الشيء
۳۶	ص ۱۵۰، س ۳	ليس ما كل ما يعجز عنه بممتنع الفرض	ليس ما كل ما يعجز عن الفهم بممتنع الفرض	عن الفهم
۳۷	ص ۱۴۵، س ۴	لو كان فيها مؤثر لكان خارجا عنها	لو كان فيها مؤثر لكان أمراً خارجا عنها	أمراً
۳۸	ص ۱۱۱، س آخر	وإن كان موجود واجب لذاته	وإن كان هو موجود واجب لذاته	هو وجود
۳۹	ص ۱۴۰، س ۶	وأما قولكم: «ويجوز أن تكون علة ممكنة موجودا آخر غيره، ولا يكون ذلك الآخر فردا من أفرادها، بل يكون مغايرا له، وقد عرض لهما الوجود» وارد	وأما قولكم: «ويجوز أن تكون علة ممكنة موجودا آخر غيره، ولا يكون ذلك الآخر فردا من أفرادها، بل يكون مغايرا له، وقد عرض لهما الوجود» فغير وارد	فغير
۴۰	ص ۱۳۸، س ۱۴	لكن في هذه المقدمة نظر، ينطبق مراتب العلة بأسرها على مراتب المعلولات	لكن في هذه المقدمة نظر، بل ينطبق مراتب العلة بأسرها على مراتب المعلولات	بل

گذشته از خطاهای یادشده، شمار زیادی از نادرستی‌ها و لغزش‌های گوناگون در تصحیح مرحوم نورانی دیده می‌شود که بر آشفتگی و ناستواری متن افزوده است؛ مواردی از قبیل خطاهای حروف نگاشتی مثل وجود فاصله‌های بی‌جا میان حروف یک کلمه (مثلاً ص ۱۳۵، س ۱: «و قعا» بجای «وقعا») یا اغلاط مطبعی پر شمار (همچون: ص ۱۲۵، س ۸: «الجهة» بجای «الجهة» / ص ۱۲۶، س ۵: «بالواجب» بجای «بالواجب» / ص ۱۳۲، س ۲: «واجب الوجود لذاته» بجای «واجب الوجود لذاته» / ص ۱۳۳، س ۳: «ممنوع» بجای «ممنوع» / ص ۱۳۳، س ۶: «اجتاحت» بجای «اجتاحت» / ص ۱۳۶، س ۲۰: «بلزم» بجای «یلزم») یا اشکالات ویرایشی چون درج نقطه یا کاما بجای دو نقطه پس از کلمه «قال» (برای نمونه: ص ۱۱۶، سطرهای ۱۴ و ۱۶)؛ یا نهادن نقطه در وسط جمله ادامه‌دار (مثل: ص

۱۲۴، س ۱۲: «لأنه على تقدير المتناهي. وعلى تقدير عدم التناهي لا يكون بعد الكل شيء حتى يمكن أن يتصور أن الكل يقع بين المعلول الأول وبين شيء غيره.» و نیز مثل: ص ۱۲۸، س ۵: «ملتمساً من لطفه. لعميم وإنعامه الجسمين إزالة تلك الخيالات عتي»؛ و همچون: ص ۱۳۴، س ۲: «لِمَ قلّتم بأنه يلزم من صدقها أن يكون المؤثر في كل مجموع مؤثراً. في كل جزء منه.» همچنین، پاراگراف بندی های اشتباه و انقطاع های نابجا در وسط عبارات متن (برای نمونه: ص ۱۳۸، س ۱۷: «إذا فرضنا أن مراتب ...» که این عبارت مقول قول برای فعل «نقول» در سطر قبل از آن است و می بایست بلافاصله پس از آن می آمد در حالی که مصحح آن را در بندی دیگر درج کرده است؛ و نیز ص ۱۱۱ بندهای سه و چهار ایراد دیگری است که می توان بر مشکلات ویراست مرحوم نورانی برافزود.

مجموع ایرادات و مشکلاتی که در خصوص ویراست مرحوم عبدالله نورانی از مکاتبات خواجه نصیرالدین طوسی و کاتبی بیان کردیم ناستواری و ناراستی و بی اعتباری این ویراست از آن مکاتبات را به خوبی نشان می دهد. ای کاش مرحوم نورانی کار تصحیح این مکاتبات را با دقت بیشتری به سامان می رساندند تا هم زمینه استفاده بهینه محققان را از آن فراهم می آوردند و هم از خویش یادگار ماندگاری باقی می گذاشتند. شوربختانه بیشتر ویراست های مرحوم نورانی از متون فلسفی و کلامی کم و بیش حال و وضعی چون ویراست همین مکاتبات را دارد و لاجرم فاقد اعتبار لازم است.

۴-۴- ویراست چهارم

گذشته از سه ویراستی که از تحریر اصلی مکاتبات طوسی و کاتبی منتشر شده است، ویراستی دیگر از آن مکاتبات نیز به چاپ رسیده که بر اساس تحریر تلفیقی آنها ارائه شده است. چنانکه پیشتر توضیح داده شد، در این تحریر تلفیقی چهار مکاتبه اصلی کاتبی و طوسی در هم ادغام گردیده بدین ترتیب که گفته های آنان در خصوص هراشکال و پاسخ های مربوط به آن و سپس نقد آن پاسخ ها همگی یکجا در زیر هم مرتب و تدوین شده است. افزون بر تفاوت پیشگفته، برخی عبارات مندرج در این ویراست نیز با سه ویراست قبلی متفاوت است و گاه کاستی ها و اضافات و تغییراتی نسبت به آنها دارد. این تحریر تلفیقی و ویراستی که بر بنیاد آن فراهم آمده فاقد دو مکاتبه نهایی (یعنی مکاتبه اعتراف کاتبی به حقانیت سخنان طوسی و پاسخ طوسی به آن) است. تحریر تلفیقی مکاتبات طوسی و کاتبی به همراه دو رساله دیگر از ارموی و دوانی در یک مجلد با مشخصات کتابشناختی زیر به چاپ رسیده است:

الکاتبی، نجم الدین، «رسالة في إثبات الواجب تعالى للإمام نجم الدين الكاتبی و معها مناقشات النصير الطوسي للمصنف»، المطبوعة في: مجموع ثلاث رسائل: رسالة في الفرق بين نوعي العلم الإلهي والكلام للإمام سراج الدين الأرموي، رسالة في إثبات الواجب تعالى للإمام نجم الدين الكاتبی، رسالة في إثبات الواجب للإمام الدواني، تحقيق: محمد أكرم أبوغوش، دار النور المبين للدراسات والنشر، عمّان، الطبعة الأولى: ۱۴۳۴ هـ.ق. / ۲۰۱۳ م، صص ۸۱ - ۱۴۷.

ویراست محمد اكرم أبوغوش از تحریر تلفیقی مکاتبات طوسی و کاتبی تنها بر اساس یک نسخه موجود در مجموعه ای خطی متعلق به کتابخانه راغب پاشا در ترکیه به شماره ۱۴۶۱ فراهم آمده است. این در حالی است که - چنانکه گذشت - از این تحریر تلفیقی دست کم دو نسخه دیگر، یعنی نسخه شماره ۶۳۰/۱۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی که تاریخ کتابت آن به حدود قرن هشتم هجری باز می گردد و دست نوشت دیگری از همین کتابخانه به شماره ۶۱۱/۱ که کتابت آن در سال ۱۰۹۷ هجری قمری به انجام رسیده است، نیز می شناسیم.

بررسی ویراست محمد اكرم أبوغوش از تحریر تلفیقی مکاتبات طوسی و کاتبی نشان می دهد که وی در ارائه ویراستی انتقادی و متنی متین و قویم از این مکاتبات موفق و کامیاب نبوده است. افتادگی ها و نادرستی های قابل توجهی که در متن ویراست مصحح نامبرده مشهود است اگرچه اغلب ناشی از خود نسخه اساس تصحیح است،

همچنان نشانگر عدم تبخّر مصحح در تصحیح متون فلسفی و ناآگاهی وی از شرایط تصحیح متن به نحو انتقادی است. طبعاً اگر محمد اکرم ابوغوش در فهم متون فلسفی تخصص می‌داشت و در عین حال می‌کوشید از سایر نسخه‌های بازمانده از مکاتبات طوسی و کاتبی در تمهید ویراست خود بهره‌مند شود، می‌توانست تصحیح استوارتر و پاکیزه‌تری از آنها عرضه نماید. در ادامه تنها به شمار اندکی از خطاهای مصحح مزبور اشاره می‌شود تا نامعتبر بودن ویراست وی نیز عیان گردد. ابتدا عبارت نادرست مندرج در ویراست محمد اکرم ابوغوش ذکر می‌شود و سپس صورت صحیح آنها درج می‌گردد.

(۱) ص ۸۴، س ۹: «لِيَتَحَقَّقَ حَقِيقَةَ الْحَقِّ فِي ذَلِكَ» ← «لِيَتَحَقَّقَ لِي حَقِيقَةَ الْحَقِّ فِي ذَلِكَ».

(۲) ص ۸۴، س ۱۳: «حَرَظَتَهَا بِالْتِمَاسِ بَعْضِ مَنْ شَارَكَتَهُ فِي الْبَحْثِ» ← «حَرَظَتَهَا بِالْتِمَاسِ بَعْضِ مَنْ شَارَكَتَهُمْ فِي الْبَحْثِ».

(۳) ص ۸۶، س ۱۳: «فَلَوْ كَانَ أَفْرَادَ ذَلِكَ الْمَجْمُوعِ مُؤَثَّرًا فِي ذَلِكَ الْمَجْمُوعِ لَزِمَ أَنْ يَكُونَ مُؤَثَّرًا فِي نَفْسِهِ وَ مُؤَثَّرًا فِيمَا هُوَ أَثَرُهُ، وَ كَلَّ ذَلِكَ مُحَالٌ» ← «فَلَوْ كَانَ أَحَدُ أَجْزَاءِ ذَلِكَ الْمَجْمُوعِ مُؤَثَّرًا فِي ذَلِكَ الْمَجْمُوعِ لَزِمَ أَنْ يَكُونَ مُؤَثَّرًا فِي نَفْسِهِ وَ مُؤَثَّرًا فِيمَا هُوَ مُؤَثَّرٌ فِيهِ، وَ كَلَّ مِنْهُمَا مُحَالٌ».

(۴) ص ۸۷، س ۵-۱۱: «بَعْضُ هَذَا الْبَرْهَانِ يَحْتَاجُ إِلَى تَقْرِيرِ زَائِدٍ، وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ ذَكَرَ فِي إِبْطَالِ السَّلْسَلِ أَنَّ الْمُؤَثَّرَ فِي السَّلْسَلَةِ الْغَيْرِ الْمَتْنَاهِيَةِ إِمَّا نَفْسَهَا أَوْ أَمْرًا دَاخِلَ فِيهَا أَوْ أَمْرًا خَارِجَ عَنْهَا. فَلْتَقَائِلُ أَنْ يَقُولَ: الْحَصْرُ مَمْنُوعٌ؛ لِجَوَازِ أَنْ يَكُونَ الْمُؤَثَّرُ سَائِرَ الْأَجْزَاءِ فَلَا يَتِمُّ دَلِيلُ إِبْطَالِ السَّلْسَلِ. فَلْأَجْلِ هَذَا عُذِلَ عَنِ هَذَا الْوَجْهِ إِلَى وَجْهِ آخَرَ. وَ لِنَقْدَمَ لِذَلِكَ مَقْدَمَةً» ← «بَعْضُ هَذَا الْبَرْهَانِ يَحْتَاجُ إِلَى تَقْرِيرِ زَائِدٍ، وَ لِنَقْدَمَ عَلَى ذَلِكَ مَقْدَمَةً».

قسمتی که روی آن خط کشیده شده است در نسخه‌های تحریر اصلی مکاتبات خواجه و کاتبی نیامده است و نمی‌بایست در متن درج می‌شد. این عبارات اگرچه در نسخه‌های اساس تصحیح، یعنی نسخه شماره ۱۴۶۱ راغب پاشا نوشته شده است، کاتب با نهادن چندین «حاء = ح» کوچک در اطراف این عبارات حاشیه بودن آنها را یادآور شده است. با این وصف، مصحح بدون توجه به این نشانه‌ها و در غفلت از بی‌ارتباطی آنها با عبارات قبل و بعد به درج آنها در متن ویراست خود اقدام کرده است.

(۵) ص ۸۸، س ۳: «فَإِنَّ جَمِيعَ الْأَجْزَاءِ كَانَتْ عِلَّةً مُسْتَقَلَّةً فِي صُورَةِ السَّلْسَلَةِ» ← «فَإِنَّ جَمِيعَ الْأَجْزَاءِ كَانَتْ عِلَّةً مُسْتَقَلَّةً».

در عبارت فوق نیز قسمت «فی صورة السلسلة» زائد است و نمی‌بایست ثبت می‌شد.

(۶) ص ۸۸، س ۶: «فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ عِلَّةً لَكَانَتْ أَوْلَى عِلَّةً لِعِلَّتِهَا الْمُسْتَقَلَّةِ الْقَرِيبَةِ» ← «فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ عِلَّةً لَكَانَتْ أَوْلَى عِلَّةً لِعِلَّتِهَا الْمُسْتَقَلَّةِ الْقَرِيبَةِ».

(۷) صص ۸۸، س ۸-۱۱: «وَإِذَا تَقَرَّرَ هَذِهِ الْمَقْدَمَةُ، تَبَسَّرَ بِإِبْطَالِ السَّلْسَلِ فِيهَا، وَ هُوَ بَأْنَ يُقَالُ: فَتَلِكُ السَّلْسَلَةُ لَا مَبْدَأَ لَهَا، وَ لِأَنَّ السَّلْسَلَةَ فَضِضَتْ مَوْجُودَةً، فَتَكُونُ: إِمَّا وَاجِبَةً وَ إِمَّا مُمْكِنَةً، وَ مُحَالٌ أَنْ تَكُونَ وَاجِبَةً، لِافتقارها و افتقار أجزاءها إلى مبدأ، و قدّمت أنّ مثل هذه السلسلة لا مبدأ لها، هذا خلف.» ← «وَإِذَا تَقَرَّرَ هَذِهِ الْمَقْدَمَةُ، تَبَسَّرَ بِإِبْطَالِ السَّلْسَلِ فِيهَا، وَ هُوَ بَأْنَ يُقَالُ: فَتَلِكُ السَّلْسَلَةُ لَا مَبْدَأَ لَهَا، وَ لِأَنَّ السَّلْسَلَةَ فَضِضَتْ مَوْجُودَةً، فَتَكُونُ: إِمَّا وَاجِبَةً وَ إِمَّا مُمْكِنَةً، وَ مُحَالٌ أَنْ تَكُونَ وَاجِبَةً، لِافتقارها و افتقار أجزاءها إلى مبدأ، وَ مُحَالٌ أَنْ تَكُونَ مُمْكِنَةً وَ إِلَّا لَكَانَ لَهَا مَبْدَأٌ، لَا فَتَقَارُ كُلٌّ مُمْكِنٌ إِلَى مَبْدَأٍ يَوْجِدُهُ، وَ قَدْ ثَبِتَ أَنَّ مِثْلَ هَذِهِ السَّلْسَلَةِ لَا مَبْدَأَ لَهَا، هَذَا خَلْفٌ».

در ویراست مورد گفت و گو قسمت «و محال أن تكون ممكنة و إلا لكان لها مبدأ، لافتقار كل ممكن إلى مبدأ يوجد»

از قلم افتاده است. همچنین ترکیب «وقد ثبت» به ریخت نادرست «وقدمت» تبدیل و ثبت شده است!

(۸) ص ۱۰۲، س ۱ - ۳: «و نقول: ذلك الموجود أو مؤثره أو مؤثر مؤثره إن كان واجباً لذاته فقد حصل المطلوب؛ وإن لم يكن شيئاً منها واجباً لذاته لزم أيضاً وجود موجود واجب لذاته ليتحقق ملزومه حينئذ» ← و نقول: إن ذلك الموجود أو مؤثره أو مؤثر مؤثره إن كان واجباً لذاته فقد حصل المطلوب؛ وإن لم يكن شياً منها واجباً لذاته لزم أيضاً وجود موجود واجب لذاته لتحقيق ملزومه حينئذ، لأن لزم هذا التقدير إن كان واجب الوجود لذاته فظاهر. وإن كان هو الدور - وإنه منتف - فينتفى ذلك التقدير.

در عبارات یادشده از ویراست محمد اکرم أبوغوش بخش «لأن لزم هذا التقدير إن كان واجب الوجود لذاته فظاهر. وإن كان هو الدور وإنه منتف، فينتفى ذلك التقدير» از متن افتاده است. همچنین، کلمه «شیء» چون در محل اسم «لم يكن» است می بایست به صورت مرفوع ثبت می شد نه منصوب.

(۹) ص ۱۰۲، س ۸: «تم ثبوت هاتين الملازميتين» ← ثم بعد ثبوت هاتين الملازميتين.

(۱۰) ص ۱۰۲، س آخر: «وإن كان حقاً يلزم وجود موجود واجب لذاته، لزم الثبوت على جميع التقادير» ← وإن كان حقاً يلزم وجود موجود واجب لذاته، فعلم أن وجود موجود واجب لذاته لازم الثبوت على جميع التقادير.

در عبارت بالا نیز جمله «فعلم أن وجود موجود واجب لذاته» در ویراست مورد بحث از قلم فرو افتاده است.

(۱۱) ص ۱۰۳، س ۶ - ۸: «لولم يكن في الوجود موجود واجب لذاته لزم انحصار الموجودات في الممكنات، ولو انحصر الموجودات في الممكنات لزم أحد المجموعات الثلاثة، وهو إما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور، أو هذا الانحصار إما مع تسلسل واحد، أو مع تسلسلات فوق واحدة. أما الصغرى فضرورية وأما الكبرى ...».

در عبارت بالا چند جمله از متن افتاده است که در زیر با کشیدن خطی زیر آنها مشخص شده است:

لولم يكن في الوجود موجود واجب لذاته لزم انحصار الموجودات في الممكنات، ولو انحصر الموجودات في الممكنات لزم أحد المجموعات الثلاثة، وهو إما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور، أو الانحصار المذكور إما مع تسلسل واحد، أو مع تسلسلات فوق واحدة. و هما ينتجان: لولم يكن في الوجود موجود واجب لذاته يلزم أحد المجموعات الثلاثة. و هو إما انحصار الموجودات في الممكنات مع الدور أو هذا الانحصار إما مع تسلسل واحد أو مع تسلسلات فوق واحدة. أما الصغرى فضرورية. وأما الكبرى ...».

(۱۲) ص ۱۰۳، س ۱۶ - ۱۷: «ثم نجعل هذه النتيجة مقدمة شرطية لقياس استثنائي، ونستثنى ببعض تاليها بأن نقول: كل واحد من هذه المجموعات الثلاث باطل» ← ثم نجعل هذه النتيجة مقدمة شرطية لقياس استثنائي، و نستثنى نقيض تاليها بأن نقول: كل واحد من هذه المجموعات الثلاثة باطل.

چنانکه بیان شد، موارد پیشگفته تنها تعداد اندکی است از خطاهای بسیار ویراست محمد اکرم أبوغوش از تحریر تلفیقی مکاتبات طوسی و کاتبی. همین مقدار هم می تواند بیانگر میزان صحت و اعتبار این ویراست باشد و حاجتی به اطالۀ کلام در این مقام نیست.

۵- ترجمه‌های مکاتبات فلسفی

تاکنون از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی درباره اثبات وجود خدا یک ترجمه اسپانیایی و یک ترجمه و شرح فارسی به چاپ رسیده است. چنانکه گذشت، برگردان اسپانیایی این مکاتبات بردست لوسیانورزیو در طی سالهای ۱۹۵۱ - ۱۹۵۲ میلادی انجام گرفته است که همونخستین بار متن عربی این مکاتبات را هم تصحیح و منتشر نمود.

چهار ویراست غیر انتقادی از مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی: نقی و بررسی بدکتیبا

همچنین برگردان فارسی این مکاتبات به قلم اسماعیل واعظ جوادی با مشخصات زیر منتشر شده است: واعظ جوادی، اسماعیل، محاکمات فلسفیه یا داوری بین نصیرالدین طوسی و دبیران کاتبی، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۲۵۳۷ ش، ۴۲۰ ص.

واعظ جوادی در کتاب مزبور افزون بر ترجمه و شرح مکاتبات به ارزیابی دیدگاه‌های کاتبی و طوسی و داوری میان آن دو نیز پرداخته است.

۶- نتیجه

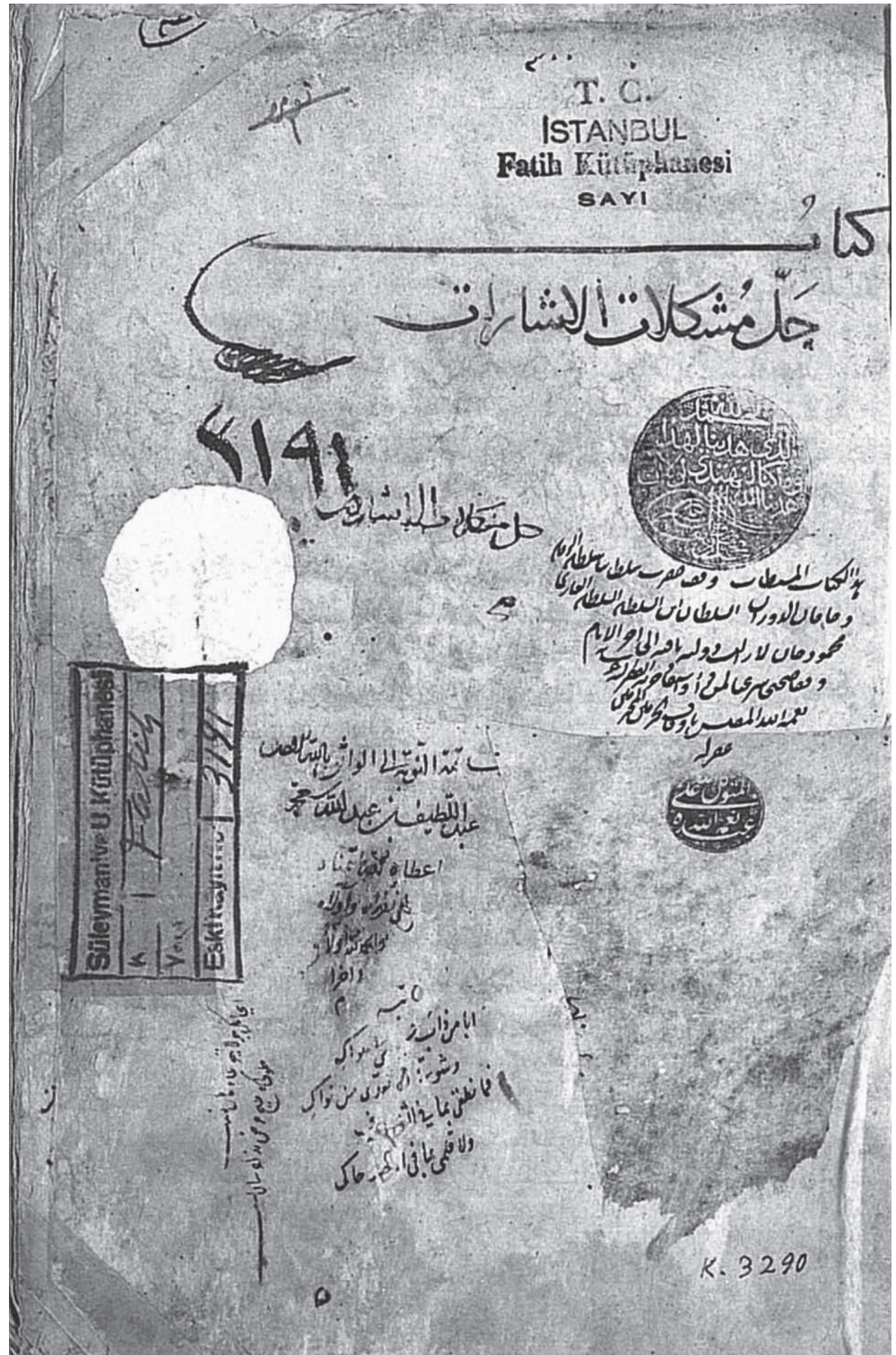
چنانکه مشاهده شد، هر چهار ویراستی که تاکنون از دو تحریر اصلی و تلفیقی مکاتبات فلسفی طوسی و کاتبی ارائه شده است ویراست‌هایی مغلول و غیرانتقادی و نامعتبر است. برآستی جای شگفتی و مایه تأشف است که از یک اثر فلسفی چهار ویراست متفاوت توسط مصححان مختلف ارائه شود ولی تمام آنها نابسامان و آمیخته با خطاهای بسیار و نامعتمد باشد. مشکل اصلی تمامی این ویراست‌ها آن است که هیچ‌یک از آنها بر اساس نسخه‌های مختلف و معتبر این مکاتبات فراهم نیامده است بلکه هر یک از آنها تنها بر پایه یک نسخه متأخر و مغلول از این مکاتبات تدارک دیده شده که در نتیجه موجب شده است:

اولاً: هر چهار ویراست ارائه شده آکنده از اغلاط و افتادگی‌ها و آشفتگی‌های گوناگون باشد به گونه‌ای که در بسیاری از مواضع اساساً فهم عبارات امکان‌پذیر نیست یا اینکه متن موجود مفید معنایی است خلاف آنچه مد نظر نویسندگان بوده.

ثانیاً: در این ویراست‌ها، هیچ سازواره انتقادی و گزارش نسخه بدلی برای خواننده فراهم نیامده تا مخاطب از ضبط‌های مختلف کلمات و عبارات متن در نسخه‌های متفاوت مکاتبات آگاه گردد.

بنابراین، با توجه به اشکالات اساسی یادشده، هر دو تحریر بازمانده از مکاتبات طوسی و کاتبی باید از نو بر اساس نسخه‌های کهن و متعدّد تصحیح و منتشر شود. نظریه اینکه حتی نسخه‌های کهن این مکاتبات نیز آمیخته با اغلاط و افتادگی‌های نسبتاً قابل توجهی است، ارائه یک ویراست انتقادی کامل و استوار از مکاتبات مزبور در گرو استفاده از تمام نسخه‌های معتبر دو تحریر اصلی و تلفیقی این مکاتبات است؛ چراکه گاه ضبط‌های موجود در تحریر تلفیقی به تصحیح ضبط‌های غلط مندرج در نسخه‌های تحریر اصلی یاری می‌رساند.

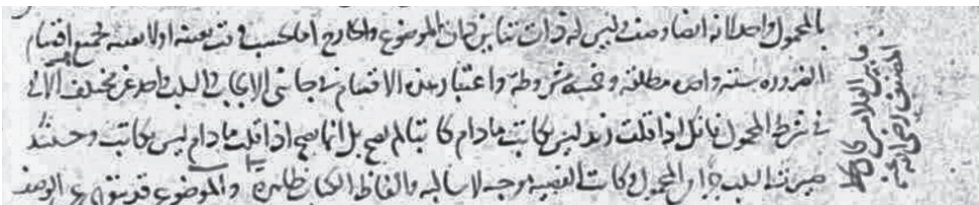
امیدوارم مُصححی صاحبِ همت و دقت وافر با دانش و توانش لازم به کار تصحیح این مکاتبات ارزشمند دست یازد و ویراستی معتبر و معتمد از آنها عرضه نماید.



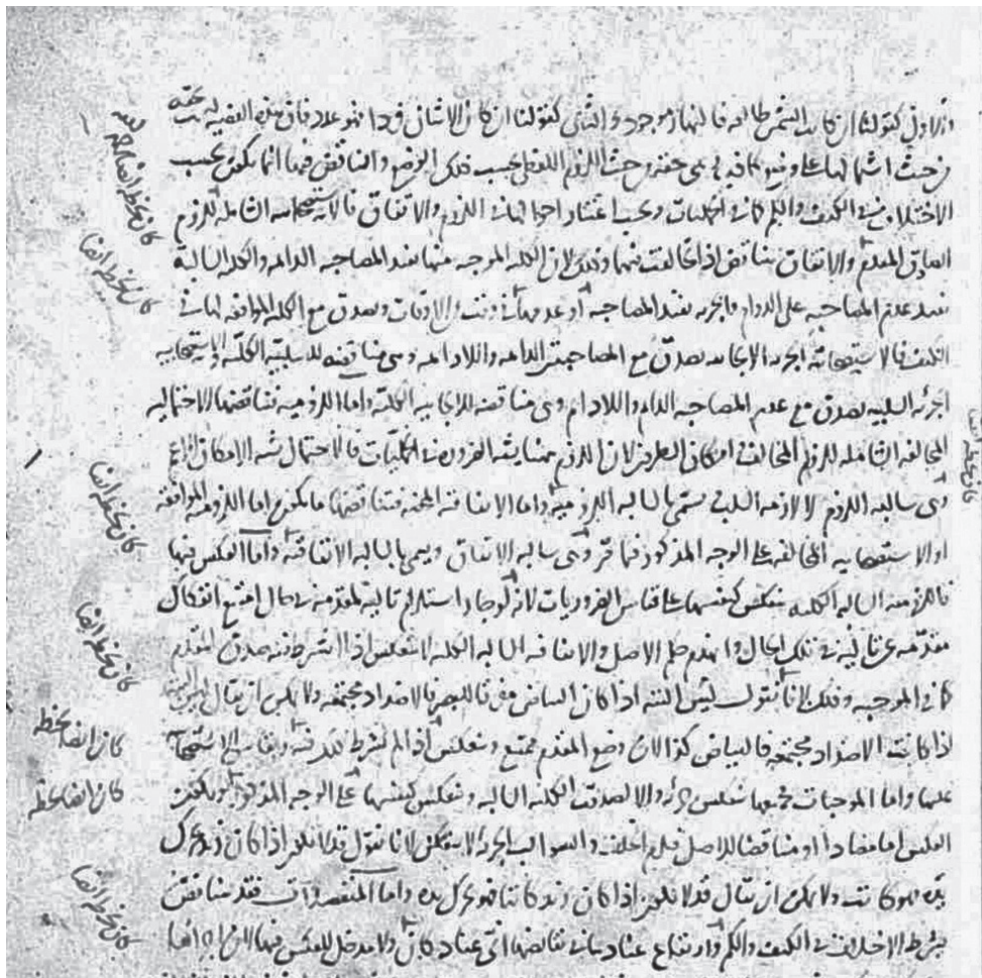
تصویر شماره ۱: برگ نخست از شرح اشارات طوسی نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح



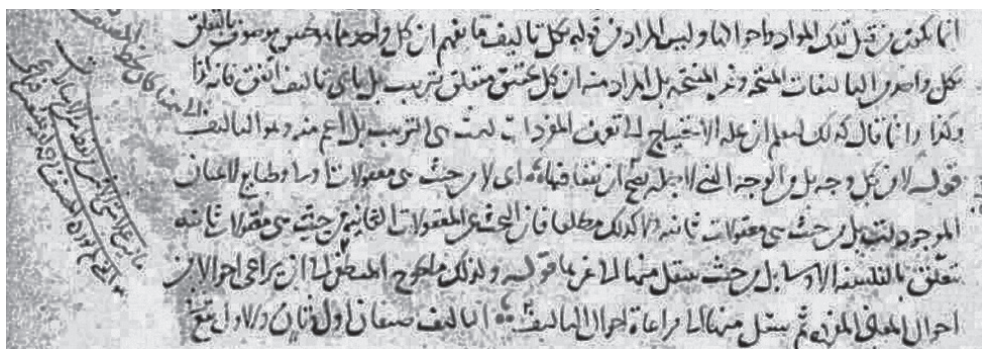
تصویر شماره ۲: ترقیمه کاتب در پایان شرح اشارات طوسی (نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح، گ ۲۶۰ ب)



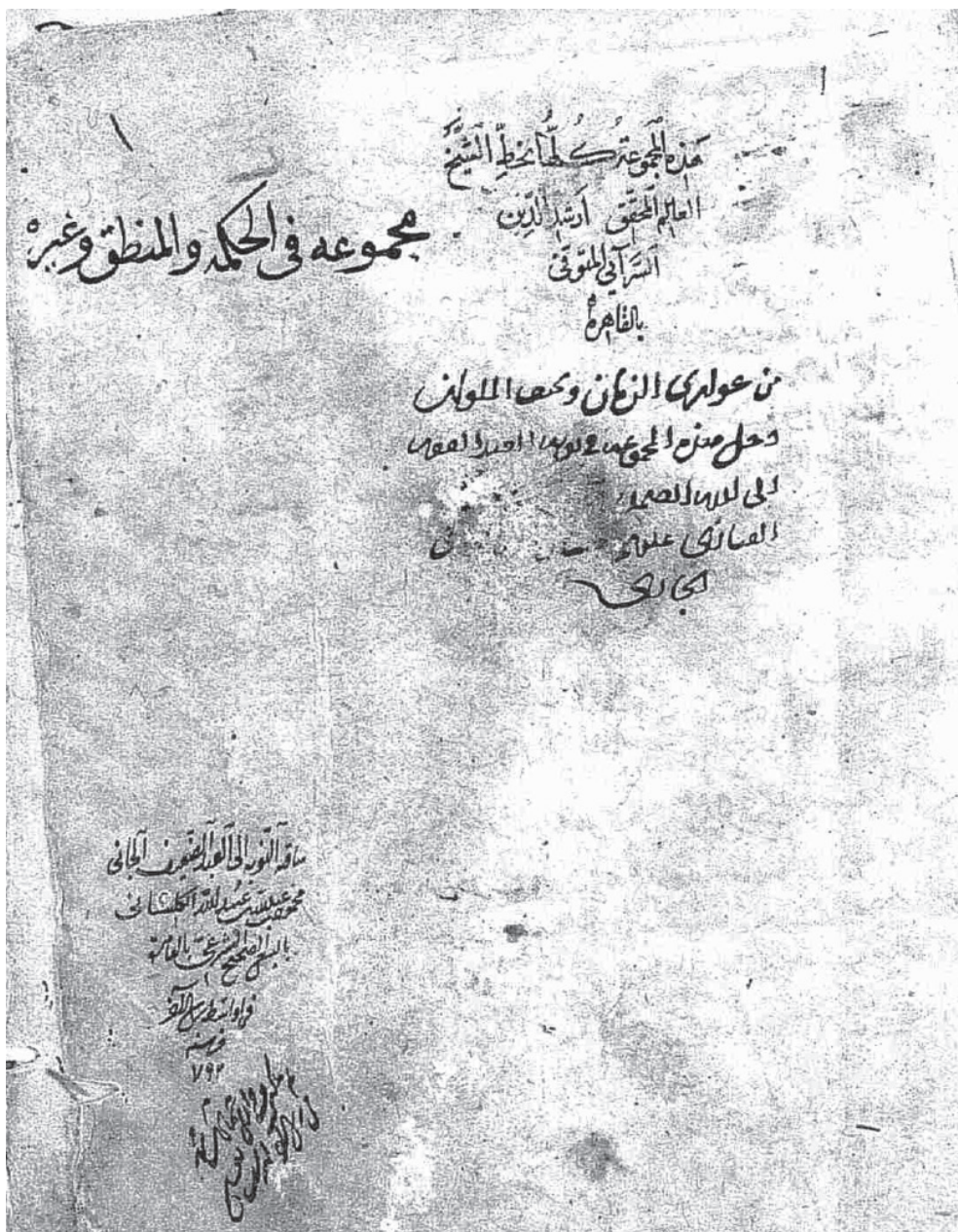
تصویر شماره ۳: نشانه گذاری و تصریح کاتب در خصوص قسمت های کتابت شده بردست طوسی در نسخه قطب الدین شیرازی از شرح اشارات (نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح، گ ۲۹ ب)



تصویر شماره ۴: نشانه‌گذاری و تصریح کاتب در خصوص قسمت‌های کتابت شده بردست طوسی در نسخه قطب‌الدین شیرازی از شرح اشارات (نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح، گ ۵۷ آ)



تصویر شماره ۵: نشانه‌گذاری (با استفاده از عدد ۲ در سطرهای ۴ و ۶ و ۷) و تصریح کاتب در خصوص قسمت‌های کتابت نشده از متن اشارات بردست طوسی (نسخه شماره ۳۱۹۱ کتابخانه فاتح، گ ۵ آ)



تصویر شماره ۶: صفحه نخست نسخه ۴۸۶۲ ایاصوفیه و چند گواهی تملک مکتوب بر آن

أ

[33 v.] بسم الله الرحمن الرحيم

قال الامام ملك العلماء والحكماء ، نجم الملة والدين ، شهاب الاسلام والمسلمين ، عمر بن علي الكاتبى القزوينى ، رحمه الله ، تعالى .

أما بعد حمد الله ، والثناء عليه بما هو اهله ومستحقه ، والصلاة على نبيته محمد وآله ،

فهذه رسالة حررتها بالتماس بعض من شاركتهم في البحث من العلماء ، ادام الله ، تعالى ، فضائلهم ، في مباحث تتعلق بالبرهان الذي ذكره الاوائل في إثبات موجود واجب الوجود .

I

En nombre de Dios, el Clemente, el Misericordioso.

Dice el imām, rey de los sabios y filósofos, astro de la escuela y de la religión, llama del Islām y de los Musulmanes, °Umar ben °Alī al-Kātibī al-Qazwīnī, Dios, excelso, tenga piedad de él.

Después de tributar a Dios toda la gloria y alabanza de que es digno y merecedor, y de invocar su bendición sobre el Profeta y su familia, diremos:

Esta es una Risāla que redacté a petición de algunos sabios—Dios, excelso, conserve sus méritos—a quienes estoy unido en la tarea de investigar los problemas relacionados con el argumento que los antiguos aducen para probar que se da «un ser de existencia necesaria».

54

تصوير شماره ۷: صفحه نخست از ویراست لوسیانورزیو (Luciano Rubio) از مکاتبات طوسى

و کاتبى به همراه ترجمه اسپانیایی

کتابنامه:

- ابن الفوطی، عبدالرزاق بن أحمد، مجمع الآداب فی معجم الألقاب، ۶ ج، تحقیق: محمد کاظم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، الدرر الكامنة فی أعیان المائة الثامنة، دارالجليل، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله و دیگران، جامع البدائع، تحقیق: محیی الدین صبری الکردی، مصر، ۱۳۳۵ ق.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، الإشارات والتنبيهات، تحقیق: مجتبی زارعی، بوستان کتاب قم، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، المبدأ و المعاد، به اهتمام: عبدالله نورانی، انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ش.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، النجاة من الغرق فی بحر الضلالت، با ویرایش: محمد تقی دانش پزوه، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹ ش.
- ابن میثم البحرانی، کمال الدین میثم بن علی، قواعد المرام فی علم الکلام، تحقیق: أنمار معاد المظفر، العتبة الحسينية المقدسة، كربلاء، ۱۴۳۵ ق.
- اشک شیرین، سید ابراهیم، رحمانی، حسن، «کتابشناسی خواجه نصیرالدین طوسی»، چاپ شده در: پور جوادی، نصرالله، وسل، ژبوا، دانشمند طوس، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران شناسی فرانسه در ایران، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- أفندی الاصبهانی، المیرزا عبدالله، تعلیقة أمل الأمل، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی، قم، ۱۴۱۰ ق.
- افندی الاصبهانی، المیرزا عبدالله، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، تحقیق: سید احمد حسینی اشکوری، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، كشف الظنون عن أسامی الكتب و الفنون، ۲ ج، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- حسینی، سید حجت الحق، کتاب شناسی جامع خواجه نصیرالدین طوسی، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ۱۳۹۵ ش.
- الحلی، الحسن بن یوسف، إیضاح المقاصد من حکمة عین القواعد، تصحیح: علینقی منزوی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷ ش.
- دبیران کاتبی قزوینی، نجم الدین، حکمة العین، ویرایش: تصحیح، پیشگفتار از: عباس صدری، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- الدوانی، جلال الدین محمد، «رسالة إثبات الواجب القديمة» چاپ شده در: سبع رسائل للعلامة جلال الدین محمد الدوانی (المتوفی ۹۰۸ هجریة) والملا اسماعیل الخواجهونی الإصفهانی (المتوفی ۱۱۷۳ هجریة)، تصحیح سید احمد تویسرکانی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- الرازی، فخرالدین، معالم أصول الدین، اعتنی به: نزار حَمادی، دارالضیاء، کویت، ۱۴۳۳ ق.
- شوشتری، قاضی نورالله، مجالس المؤمنین، ۷ ج، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۹۲ ش.
- الصَفَدی، خلیل بن أبیک، الوافی بالوفیات، دار النشر فرائز شتایز، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- الطهرانی، آقا بزرگ، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ۲۶ ج، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- طوسی، نصیرالدین و دیگران (شمس الدین کیشی، جلال الدین دوانی، شمس گیلانی و...)، رسالة إثبات العقل المجزء و شرح آن، تصحیح و تحقیق: طیبه عارف نیا، انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن، تهران، ۱۳۹۳ ش.
- طوسی، نصیرالدین، أجوبة المسائل النصيرية (مشمتمل بر ۲۰ رساله)، به اهتمام: عبدالله نورانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول: ۱۳۸۳.
- الطوسی، نصیرالدین، تلخیص المحض (المعروف بنقد المحض)، تحقیق: عبدالله نورانی، بیروت، دار الأضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵ ق.
- طوسی، نصیرالدین، حلّ مشکلات کتاب الإشارات والتنبيهات مشهور به شرح اشارات، نسخه برگردان به قطع اصل نسخه دست نوشت مؤلف (نسخه شماره ۱۱۵۳ کتابخانه ملی ایران)، با مقدمه: سید محمد عمادی حائری، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- الطوسی، نصیرالدین، و کاتبی، نجم الدین، مُطازحات فلسفیة بین نصیرالدین الطوسی و نجم الدین الکاتبی (نفاثات المخطوطات، المجموعة السابعة)، بتحقیق: الشیخ محمد حسن آل یاسین، مطبعة المعارف، بغداد، ۱۳۷۵ - ۱۹۵۶، ۶۸ ص.
- القُونوی، صدرالدین و الطوسی، نصیرالدین، المرانسلات بین صدرالدین القُونوی و نصیرالدین الطوسی، تحقیق و مُلَخَّص ألمانی مُفسَّر: گودرون شوپرت، دارالنشر فرانتس شتاینر، بیروت، ۱۴۱۶ هـ / ۱۹۹۵ م.
- الکاتبی، نجم الدین و دیگران، مجموع ثلاث رسائل: رسالة فی الفرق بین نوعی العلم الإلهی و الکلام للإمام سراج الدین الأرموی، رسالة فی إثبات الواجب تعالی للإمام نجم الدین الکاتبی، رسالة فی إثبات الواجب للإمام الدوانی، تحقیق: محمد اکرم أبوغوش، دار النور

المبين للدراسات والنشر، عَمَّان، الطبعة الأولى: ۱۴۳۴ هـ.ق. / ۲۰۱۳ م.

الکتابى، محمد بن شاکر، فوات الوفيات، تحقيق: إحسان عباس، دار صادر، بيروت، بی تا.

کديور، محسن، نورى، محمد، مأخذشناسى علوم عقلى، ۳ ج، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۹ ش.

لمير، يوپ، «حل مشكلات الاشارات، دست نوشته طوسى؟ نشر عكسى نسخه ۱۱۵۳ كتابخانه ملّى ايران»، ترجمه: منوچهر يزشك، گزارش ميراث، دوره دوم، سال پنجم، شماره ۴۵، خرداد و تير ۱۳۹۰، صص ۵۰ - ۵۶.

محقق، مهدى؛ ايزوتسو، توشى هيكو، منطق و مباحث الفاظ (مجموعه متون و مقالات تحقيقى)، انجمن آثار و مفاخر فرهنگى، تهران، ۱۳۸۶ ش.

مدرّس رضوى، محمدتقى، احوال و آثار خواجه نصيرالدين طوسى، اساطير، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

مدرّسى زنجانى، محمد، سرگذشت و عقايد فلسفى خواجه نصيرالدين طوسى، انتشارات اميرکبير، تهران، ۱۳۶۳ ش.

المقرّبى، تقى الدين أحمد بن على، دُرر العقود الفريدة في تراجم الأعيان المفيدة، ۴ ج، حقه و علق عليه: محمود الجليلى، دار الغرب الإسلامى، بيروت، ۱۴۲۳ ق.

مهدوى، يحيى، فهرست نسخه هاى مصتفا ابن سينا، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۳ ش.

واعظ جوادى، اسماعيل، محاکمات فلسفيه يا داورى بين نصيرالدين طوسى و ديبران کاتبى، انتشارات دانشگاه اصفهان، اصفهان، ۲۵۳۷ ش، ۴۲۰ ص.

يحيى، عثمان، مؤلفات ابن عربى تاريخها و تصنيفها، ترجمه عن الفرنسىة: أحمد محمد الطيب، الهيئة المصرية العامة للكتاب، القاهرة، ۲۰۰۱ م.

Daiber, Hans, *Bibliography of Islamic Philosophy*, 2 Vols. Leiden – Boston – Köln: Brill, 1999; *Supplement*, 2007.

Lameer, Joep, "An autograph of Tāūsī's Hall mushkilāt al-ishārāt (the facsimile edition of MS AR. 1153 of the National Library of Iran)", *BIBLIOTHECA ORIENTALIS* LXVIII NO 5-6, september-december 2011, pp. 510 – 518.

Islamic philosophy, Volume 89, Edited by Fuat Sezgin, *Nasīraddīn at-Tūsī Abū Ja'far Muhammad (d. 672/1274) and Najmaddīn al-Kātibī (d. 675/1276) Texts and Studies Collected and Reprinted*, 2000, Institute for the History of Arabic-Islamic Science at the Johann Wolfgang Goethe University Frankfurt am Main, pp. 54 – 188.